۵۶۷

هفته نامه

بجز اصلاح اراده دیگری ندارم سوره هود ۸۸

اصلاح ملی

سیاسي، ټولنیزه او فرهنګي اوونیزه

اتمه ګڼه ۱۳۹۴ لمریز کال د ثور ۱۹مه د ۱۴۳۶ هـ ق د رجب المرجب ۲۰مه د ۲۰۱۵ د می ۹مه

نا امنی های اخیر

در شمال کشور،

حکایت از دست های

پشت پرده داخلی ! !

از "آهن پوشی" در کابل

تا نمایش "آثار هنری"

در فرانسه!!!

د سولې غوښه

به څوک سپړي؟

دولت که وسله وال

مخالفین؟

امروز ، فقط امروز

چون صبح کردی، منتظر شام مباش؛ گویا فقط امروز زندگی خواهی کرد، نه دیروزی که با خوب و بدش تمام شده و نه فردایی که هنوز نیامده است.

امروز فقط روز توست؛ عمر تو، فقط یک روز است؛ پس ذهن و خاطرت را فقط به زندگی امروز معطوف بدار؛ گویا امروز بدنیا آمده ای و امروز خواهی مرد. اگر چنین باشی، دیگر زندگی تو در میان خاطرات تلخ و اندوه و ناراحتی گذشته و میان توقع آینده و شبح ترسناک و خیزش وحشتناک آن از هم نخواهد پاشید.

توجه و تلاش و ابتکار خود را فقط صرف امروز بگردان. پس امروز باید نمازی درست و خاشعانه بخوانی و با تدبر، قرآن را تلاوت کنی؛ با حضور دل به ذکر بپردازی، کارها را سنجیده انجام دهی، اخلاقی زیبا ارائه نمایی، به بهره و قسمت خویش راضی باشی، به ظاهر خود توجه نمایی و به جسم و تن خویش اهتمام بورزی و به دیگران فایده برسانی.

ساعتهای امروز را تقسیم کن و از دقیقه های آن به اندازه سالها و از ثانیه های آن به اندازه ماهها استفاده کن؛ امروز نهال خوبی و مهر بکار و کارهای زیبا انجام بده. از پروردگارت آمرزش بخواه و پروردگارت را به یاد آور و برای سفر از این جهان، خودت را آماده کن. بدین سان امروز با شادمانی و سرور و در امنیت و آرامش زندگی بسر می نمایی و از روزی و همسر و فرزندان و شغل خود و از خانه و دانش و جایگاه خود راضی خواهی بود؛ { فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾. [سورة الأعراف آیه ۱۴۴]«پس آنچه را به تو عطا کرده ام، بگیر و از شکرگزاران باش».

خلاصه اینکه اگر رویه ای را که گفتم، در پیش بگیری، امروز را بدون ناراحتی و پریشانی و بدون حسد و کینه و ناخرسندی می گذرانی.

یک جمله باید بر لوح قلبت نقش ببندد؛ این جمله را در دفتر خود با خطی درشت بنویس و آن اینکه (امروز فقط امروز).

اگر امروز نانی گرم و گوارا بخوری، آیا نان خشکی که دیروز خورده ای یا نانِ فردا که هنوز معلوم نیست چه باشد، به تو زیانی می رساند؟

وقتی امروز آبی شیرین و گوارا می نوشی، چرا برای آب تلخ و شوری که دیروز نوشیده ای، غم می خوری و چرا خودت را از ترس اینکه شاید فردا آبی آلوده و گرم بهره تو باشد، ناراحت و افسرده می کنی؟

اگر اراده ای آهنین و قاطع داشته باشی، خودت را به این نظریه که: فقط امروز زندگی خواهم کرد، قانع می نمایی. وقتی این تئوری در ذهن و وجودت جای بگیرد،آنگاه می توانی از هر لحظه امروز برای ساختن خود، شکوفایی استعدادهایت و سامان دادن کارهایت استفاده کنی.

اصلاح ملی را از اینجا بدست آورید

کابل: تایمنی، چهار راهی حاجی محمد داد، سرک ۴، دفتر مرکزی جمعیت اصلاح. تیلفون: ۰۷۹۹۳۹۴۰۱۵/ ۲۰۲۲۰۴۳۰۵

کابل: کوته سنگی، سرک سیلو، بلاک های شاداب ظفر، انتشارات اصلاح افکار: موبایل: ۰۷۷۸۱۹۱۳۸۲

کابل: شهر نو، چهار راهی انصاری، کتاب فروشی رسالت. ۰۲۰۲۲۰۳۳۵۹

کابل: انتشارات مستقبل مقابل بلاک های شاداب ظفر،

کابل: کمپیوتر فروشی الکاموي جاده نادر پشتون، مارکیت الله نظر منزل۲ دوکان ۲۳/ . ۰۷۹۹۳۹۰۸۱۹

کابل: کابل ده افغانان کتاب فروشی بیهقی

کابل: انتشارات بنیاد علمی و فرهنگی مسجد جامع پل خشتی ۰۷۹۹۰۱۱۱۱۱ / ۰۷۵۲۲۲۲۲۲۲

ننگرهار: جلال آباد، نارنج باغ، عبدالحق مبنه، (دکابل د موټرو اډه) د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر ټیلیفون: ۰۷۰۰۶۳۲۴۸۰

جلال اباد- اسحاقزی مارکیټ، لاندې منزل، اصلاح افکار تلپفون: ۰۷۹۳۷۷۸۸۸۱

کندهار: نوی ښار، د هرات سړک، د سړي جامع غرب طرف ته سوري مېنه د امام ابوحنیفه رح تعلیمي او کلتوري مرکز د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر د تلپفون: ۰۷۰۰۳۰۸۲۷۱ ـ ۰۷۰۰۶۶۸۹۴۸

لغمان: مهترلام ښار، حمزه مارکیټ تیلفون: ۷۹۹۴۴۲۹۲۰

هرات: سرک باغ آزادی، ابتدای جاده محبس ابن سینا انجمن اخلاق و معرفت شماره های تماس: ۰۴۰۲۳۷۰۱۲ – ۰۷۸۹۰۰۸۱۵۲

بلخ: عقب حمام سره میاشت، مرکز تعلیمی اصلاح

کندز: شهر کندز، جاده ولایت، کوچه حاجی میری، مؤسسه تحصیلات عالی سلام ۰۷۸۷۷۰۳۷۲٤

بغلان: پلخمری، مارکیت اتفاق کتاب و قرطاسیه فروشی رسالت ۰۷۰۰۵۸۹۸۵۷ /۰۷۷۷٤۷٦٤٦۹

لوگر: مرکز، مدینه مارکیت سرک مسجد جامع، کتاب فروشی سادات، سید عبدالحمید هاشمی، تیلفون: ۰۷۰۰۴۴۹۸۱

لوگر: محمدآغه، واغجان بازار، پهلوی کلنیک حسین خیل، تیلفون: ۰۷۷۵۴۱۳۸۷۶

نیمروز: سرک آزادی، جنوب کابل بانک، انجمن فرهنگی ارشاد: شماره تماس: ۰۷۹۷۷۴۱۹۷۴

پکتیا: د گردیز ښار، مرکزي چوک، د نی نمایندگی وحید الله: ۰۷۷۹۲۱۳۸۲۲

خوست: افغان تاور شاته خوست مرکزي طبي لابراتوار دوهم پوړ د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر د اکتر محمد گلاب: ۰۷۹۹۱۷۴۵۴۶/ ۰۷۷۷۱۷۴۵۴۶

تخار: بازارچه کتاب دکان مولوی حبیب الرحمن ۰۷۷۹۶۳۴۱۹۲

بدخشان فیض آباد: ۰۷۷۵۲۷۰۵۰۸ / ۰۷۰۷۸۳۱۳۶۴

زابل: قلات، عمومي جاده، د نجرانو کوڅه د غوثي رهنمای معاملات ترخنگ، شمپره: ۰۷۰۶۵۲۷۱۸۶--۰۷۷۳۵۸۰۲۰۹

فراه: ناحیه سوم، مقابل مسجد جامع قاضی، مرکز علمی و فرهنگی توحید شماره تماس: ۰۷۹۹۸۴۳۶۱۱

کونړ: د معارف ریاست ته مخامخ د جمعیت اصلاح ساحوي دفتر

پیشور: مرکز فرهنگی اسلامی افغانستان/ تیلفون: ۱۵۸۵۲۷۹۵

شماره مسئول توزیع: ۰۷۸۵۴۲۹۱۱۳

قیمت یک شماره ۱۰ افغانی

جمعیت اصلاح افغانستان

بخش فرهنگی و نشرات

هفته نامه اصلاح اونیره

دا اسلام دا اصیل فهم منبر

Email:eslahmilli@gmail.com

رئیس هیأت تحریر:

احمد ضیاء رحیمزی

مدیر مسؤول

محمد شعیب قریشي

0781544115

اعضاء هیأت تحریر:

نقیب الله حمید
عبدالفتاح جواد
محمد اکبر مؤحد

ډاکټر وحید الله مصلح
عزیز احمد حنیف

همکاری نقدی تان به ما بفرستید

آدرس بانکی: جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان کابل بانک
A/c No=1001202080036
(افغانی)

آدرس بانکی: جمعیت اصلاح وانکشاف اجتماعی افغانستان کابل بانک
A/c No=1001201080036
دالر امریکائی

سرمقاله

کنفرانس اخیر قطر؛ و آرزو های که باز هم به ثمر نرسیدند!

کنفرانسی که هفته گذشته از جانب یک نهاد پژوهشی کانادایی بنام "پگواش"، در دوحه پایتخت قطر بشمول نماینده گانی از جهت های مختلف افغانی تدویر یافته بود، قبل از تدویر و اختتام، یکبار دیگر امید های را در ذهن و قلب مردم جنگ زده افغانستان روشن ساخت، مبنی بر این که شاید اینبار، مژده های خوشی از این کنفرانس بشنوند و اگر مذاکرات مستقیم بین نماینده گان حکومت و جناح های مخالف آن هم صورت نگیرد، شاید این کنفرانس بتواند زمینه ساز نشست های گردد که بالاخر زمینه یک صلح و آشتی همگانی را در این سرزمین جنگ ها و فتنه ها مساعد سازد.

اما با دریغ ودرد پس از اختتام این کنفرانس آنچه از محتوای این کنفرانس و عکس العمل های جوانب دخیل در قضیه، در مورد این کنفرانس بروز کرد، چیزی نبود که بتوان از آن امیدی در این رابطه داشت.

مشکلی که از نظریات جهت ها و هیأت های مختلف اشتراک کننده در کنفرانس دو روزه قطر به مشاهده میرسد این است که باز هم همچو بارهای گذشته فضای اعتماد بین مخالفین مسلح و دولت وجود نداشت و می توان این حقیقت را در لابلای خواهش مخالفین مسلح برای داشتن و برسمیت شناخته شدن یک دفتر سیاسی برای آنها و رد قاطعانه این خواهش از سوی دولت افغانستان و بخصوص حنیف اتمر مشاور امنیت ملی رئیس جمهور، بخوبی جستجو کرد و درک کرد که تا حال یک فضای کاملاً بی اعتمادی بر هردو جانب حاکم است.

از سوی دیگر از قراین بر می آید که جانب دولت بیشتر سعی دارد تا تلاش های صلح خویش را نسبت به تفاهم ومذاکره مستقیم با گروه های مخالف مسلح افغانی، با کشورهای همسایه و بخصوص پاکستان، متمرکز سازد و به همین منوال مخالفین مسلح هم بیشتر به شرط گذاری ها برای خروج نیروهای خارجی توجه دارند تا مذاکره و روی خوش نشان دادن به دولت افغانستان.

شاید نظریات هر دو جانب تا حدودی درست و تا حدودی هم نا درست باشد، اما مشکل اینجاست که همین شرط گذاری ها و عدم اعتماد جناح های درگیر، باعث شده تا آتش جنگ وخون ریزی همه هست و بود ما را ببلعد!

پس از رویکار آمدن حکومت جدید وگسترش روابط حسنه وتبادل هیأت ها با پاکستان و اعلام این موضوع که الی اواخر ماه مارچ گذشته، مذاکراتی بین مخالفین مسلح و دولت برگزار خواهد شد، مردم همه خوشبین و امید وار بودند که شاید این بار حکومت وحدت ملی بالاخره بتواند گره از کار این جنگ و دربدری مردم و کشور بگشاید و کاری انجام دهد که ثمره آن صلح و آرامش برای این میهن و این مردم باشد، اما متاسفانه که این آرزوی مردم بازهم به ثمر نرسید.

با گرم شدن بازار گزارش های در مورد برگزاری کنفرانس قطر، این امیدهای پژمرده بار دیگر زنده شدند، ولی با ختم آن و بروز عکس العمل های خشم آلود در این رابطه، بازهم ملت و مردم در انتظار ماندند و معلوم هم نیست که بالاخره این آرزوی گم شده مردم و ملت چه هنگامی تحقق خواهد یافت؟

همان گونه که در بالا گفته آمدیم، هردو جانب (دولت و مخالفین مسلح) باید برای تحقق این خواسته مردم، برقرار شدن صلح و ثبات در کشور از برخی خواسته های خود بگذرند، روی میز مذاکره بنشینند و به این ترتیب زمینه مساعد شده برای بیگانگان را که بازی های خطرناک استخباراتی شان را در سرزمین عزیز ماپیاده می کنند، ببندند.

بدون شک ادامه جنگ و حضور نامیمون نیروهای خارجی نه به نفع افغانستان است و نه به نفع افغانها، اما باید راه های عملی و علمی جستجو گردد، تا از یک سو به توطیه ها و دسایسی که در جریان است، نقطه پایانی گذاشته شود و از سوی دیگر هم زمینه استقرار صلح وثبات در کشور مهیا گردد.

نا امنی های اخیر در شمال کشور، حکایت از دست های پشت پرده داخلی!!

گروپ رسانه یی اصلاح - نعمت الله عزیزی

طی چند سال اخیر رسم بر آن است که هر سال جدید در کشور، با نا امنی ها و جنگ های تازه آغاز می گردد، که از همین رو سال روان هم با یک سلسله حملات تند مخالفان مسلح دولت همراه بود.

با آنکه جنگ در افغانستان از سالهای متمادی جریان دارد و هر سال ده ها وصدها قربانی می گیرد اما افزایش اخیر حملات مخالفان مسلح در شمال کشور و بخصوص در ولایت قندز که در جریان سیزده سال اخیر در آنجا نسبتاً آرامی حکفرما بود نگرانی های را به وجود آورده است.

گرچه کارشناسان نظامی دلایل افزایش حملات اخیر درکشور را افزایش بیکاری در بین جوانان، وخروج نیروهای خارجی از کشور میداند ولی حملات اخیر در ولایات بدخشان، قندوز، فاریاب و بغلان همسایه های شمالی و شمال شرقی افغانستان را نگران ساخته اند.

چنانچه الکساندر مانتیتسکیی سفیر روسیه در کابل، ضمن یک نشستی به رسانه ها از نا امنی ها اخیر در ولایات شمال افغانستان نگرانی خود را ابراز کرد یاد آور شد که افغانستان برای رفع چنین تهدید ها با ایالات متحده امریکا پیمان بسته است که باید برای رفع تهدید با افغانستان کمک کند.

در عین حال نور الحق علومی وزیر امور داخله کشور ضمن سفری که به ولایت قندوز داشت، ادعا کرد که در نا امنی های اخیر در شمال کشور بعضی مقامات حکومت دخیل اند، با آنکه آقای علومی از کدام گروه ویا فرد مشخصی نام نبرد اما گفت:"جنوب کشور را مخالفان مسلح و ولایت های شمال را دوستانی در داخل نظام برای منافع شخصی نا امن کرده‌اند."

به همین گونه مسؤولین بلند رتبه امنیتی بشمول حنیف اتمر، مشاور امنیت ملی رئیس جمهور از سوی هر دو مجلس پارلمان (ولسی جرگه و مشرانو جرگه) فرا خوانده شدند تا در رابطه با این وضعیت معلومات دهند، اما مجلس ولسی جرگه در این رابطه سری قرار داده شد.

گروپ رسانه یی اصلاح این بار هم با در نظر داشت اهمیت موضوع با کارشناسان و تحلیلگران امور و اعضای ولسی جرگه در مورد دلایل افزایش حملات در شمال کشور، واینکه هدف وزیر امور داخله کشور در مورد یاد آوری از گروهای داخلی حکومت که در نا امنی های شمال دست دارند، چیست؟ و چرا این گروه ها از سوی حکومت افشاء نمی شود؟ صحبت های داشتیم، که خدمت شما تقدیم می گردد.

دلایل نا امنی های اخیر در شمال کشور چه است؟

عبدالغفور لیوال رئیس مرکز مطالعات منطقه یی باور دارد، که نا امنی های اخیر در شمال یک کار تصادفی نیست بلکه یک اجندای جهانی در عقب این نا امنی ها قرار دارد وبعضی گروها و حلقات جهانی میخواهند کشور های آسیای میانه رانا امن سازند.

وی همچنان با اظهار تأسف می گوید که اختلافات بر سر قدرت در افغانستان، توانایی های حکومت را کاهش داده که بتواند جلو این دسیسه بزرگ وآجندای جهانی را بگیرد.

محمد زبیر شفیقی تحلیلگر مسایل سیاسی و مدیر مسؤول روزنامه ویسا دلیل عمده نا امنی ها اخیر در کشور بخصوص در شمال کشور را امضای پیمان امنیتی با امریکا می داند و می افزاید که حال نیازمندی امریکا رفع شده و می خواهد که پروژه دیگری از نا امنی ها را در شمال کشور ایجاد و از آن جا به کشور های آن سوی دریای آمو صادر کند.

این تحلیلگر و روزنامه نگار همچنان حکومت وحدت ملی را مورد انتقاد قرار می دهد که چرا؟ با این همه عجله و بدون کدام ضمانت پیمان امنیتی را با امریکا به امضاء رسانید که حال هموطنان ما قربانی یک

جنگ دیگر بیگانه است که به نظر آقای شفیقی خود مسؤولین هم شامل این پروژه بزرگ امریکا است.

دکتور مصباح الله تحلیلگر مسایل سیاسی و معاون علمی پوهنتون سلام در همین مورد به این نظر است که نا امنی های اخیر درشمال کشور طبیعی نیست بلکه طرح ریزی شده است که هدف آن نا امن سازی کشورهای است که درگذشته تحت تسلط شوروی سابق قرار داشت و همچنان مناطقی از کشور چین که در عقب این برنامه اهداف دراز مدت امریکا قرار دارد.

این تحلیلگر مسایل سیاسی همچنان به این باور است که امریکا با ایجاد نا امنی ها در شمال کشور میخواهد وزیرستان دیگری در این جا ایجاد نماید تا در مناطق تحت نفوذ روسیه و چین که در آینده میتواند به موجودیت امریکا در منطقه مزاحم محسوب شود، عملیات های نظامی انجام دهد و آنها را مصروف نگاه دارد.

از سوی دیگر عرفان الله عرفان نائب منشی ولسی جرگه در باره عوامل نا امنی های اخیر در شمال کشور که روز دوشنبه ۱۴ ثور مسؤولان امنیتی هم برای پاسخ دهی به سوالات نماینده گان خواسته شده بود، از قول مسؤولین امنیتی دلایل عمده نا امنی های اخیر را چنین گفت: "در این اواخر در همه کشور نا امنی ها بیشتر شده است خصوصاً در شمال کشور که مسؤولان امنیتی دلایل افزایش آن را انتقال مسؤولیت ها از نیروهای خارجی به نیروهای افغان وعملیات نظامی پاکستان در وزیرستان بر ضد طالبان پاکستانی که باعث شده تا گروه های متعدد مسلح به افغانستان روی آورند و ظهور گروه جدیدی بنام داعش می خوانند."

آقای عرفان الله عرفان همچنان می گوید که مسؤولان امنیتی همچنان انتخابات سال گذشته، قاچاق مواد مخدر و بعضی مسایل منطقه را مطرح کرده اند که در نا امنی های اخیر تاثیرات شوم خود را داشته اند.

کدام حلقاتی داخلی در نا امنی ها اخیر شمال دست دارند؟

نور الحق علومی وزیر امور داخله کشور در سفر اخیر خود به ولایت قندز گفته است که حلقاتی در داخل نظام وجود دارند که در نا امنی های شمال این کشور دست دارند، اینکه چرا حکومت وحدت ملی و وزیر امور داخله آنها را افشاء نمی کند وهدف این حلقات چیست؟ در این مورد، عبدالغفور لیوال رئیس مرکز مطالعات منطقوی به این نظر است که حلقات انحصاری قدرت که وزیر داخله هم در گذشته با آنها بوده و خود را بالاتر از قانون میدانند، نمی خواهند که جایگاه و موقف خود را از دست دهند.

حلقات انحصاری قدرت که وزیر داخله هم در گذشته با آنها بوده و خود را بالاتر از قانون میدانند، نمی خواهند که جایگاه و موقف خود را از دست دهند.

این همان حلقات مسلح پیشین بوده که در طول سیزده سال گذشته نیز به شکلی از اشکال قدرت را در انحصار خود داشتند و نمی خواهند که این موقف خود را از دست دهند.

عبدالغفور لیوال رئیس مرکز مطالعات منطقوی

به باور آقای لیوال این همان حلقات مسلح پیشین بوده که در طول سیزده سال گذشته نیز به شکلی از اشکال قدرت را در انحصار خود داشتند و نمی خواهند که این موقف خود را از دست دهند.

محمد زبیر شفیقی مدیر مسؤول روزنامه ویسا در همین مورد می گوید: "اشخاص و گروه های که این گونه جنگ را در افغانستان ادامه میدهند بجز گروه ها وحلقه های مزدور و بیگانه پرست کسی دیگری نیستند."

به باور آقای شفیقی اهداف وخواست های آنها هیچ ارزشی ندارد بلکه برای آجندای های دیگران و بیگانه گان کار می کنند.

آقای شفیقی همچنان باور دارد که این مسؤولیت وزیر داخله کشور است تا همه گروه ها و حلقاتی را که زمینه جنگ را مساعد میسازند به چنگ قانون بسپارد و به گفته آقای شفیقی مسؤولیت وزیر امور داخله تنها به این رفع نمی شود که فقط از آنها یاد آوری کند.

دکتور مصباح الله تحلیلگر مسایل سیاسی و معاون علمی پوهنتون سلام در همین مورد باور دارد که امریکا به عملی کردن پلان خود که نا امن سازی منطقه است به کسان و گروه های احتیاج دارد و به باور این تحلیلگر این عده کسان باید اشخاصی قدرتمند باشند که بتوانند اهداف امریکا را بر آورده ساخته و در عملی سازی این پروژه نقش اداء کنند.

به نظر دکتور مصباح الله حکومت افغانستان از افشای این حلقات هراس دارد که برایش مشکلات بیشتر خلق نکند.

عرفان الله عرفان نائب منشی ولسی جرگه در این مورد که آیا اعضای ولسی جرگه در نشستی که با مسؤولین امنیتی داشتند، از وزیر امور داخله نپرسیدند که این حلقات داخلی حکومت کدامها وکی ها اند؟ می گوید که همین سوال از وزیر امور داخله کشور مطرح شد ولی به کدام گروه و یا شخصی اشاره نکرد که بتواند قناعت اعضای ولسی جرگه را فراهم سازد.

آقای عرفان می افزاید که وزیر امور داخله به یک نقطه اشاره کرد آن اینکه در ولایاتی که حال در آن نا امنی ها بیشتر شده است بین ارگانهای مختلف هماهنگی وجود ندارد که باعث افزایش نا امنی ها شده است.

آیا نا امنی های شمال کشور پلان شده است؟

الکساندر مانتیتسکیی سفیر روسیه در کابل از نا امنی ها در شمال افغانستان نگرانی خود را اعلان داشته است پرسش اینجا به وجود می آید که آیا این نا امنی ها واقعاً برای تهدید روسیه ویا کشور های آسیای میانه که هم پیمانان روسیه شمرده می شوند، یک طرح پلان شده است ویا کدام هدف دیگر هم میتواند داشته باشد؟

نا امنی های اخیر در شمال کشور یک پروژه طرح شده و پلان شده امریکا است که می خواهد کشور های آسیایی میانه را نا امن سازد وبه باور وی حال اکثریت مردم میدانند و هر دو مجلس پارلمان هم به این قانع است که نا امنی های اخیر شمال کشور یک پروژه سازماندهی شده است که ضمن آن از افغانستان به حیث میدان جنگ استفاده میشود.

محمد زبیر شفیقی کارشناس امور سیاسی و مدیر مسؤول روزنامه ویسا

عبدالغفور لیوال رئیس مرکز مطالعات منطقه یی می گوید که در نا امنی ها وجنگ های افغانستان کشور های مختلف دست داشته که با تأسف روسیه هم در پشتیبانی از بعضی حلقات افغانی سهم داشته و بجای اینکه با حکومت مشروع روابط خود را گسترش دهد با بعضی گروه ها روابط خود را گسترش داد و به همین دلیل حال وضعیت در منطقه به این حد رسیده که مناطق جنوبی و همسایه گان جنوبی روسیه زیر تهدید قرار گیرد.

به باور این آگاه امور سیاسی، تمام کشور های منطقه با وضعیت مشابه مواجه شده میتوانند مگر اینکه در باره امن سازی و صلح افغانستان کوشش و همکاری های صادقانه به خرچ دهند.

محمد زبیر شفیقی کارشناس امور سیاسی و مدیر مسؤول روزنامه ویسا در این مورد به این باور است که نا امنی های اخیر در شمال کشور یک پروژه طرح شده و پلان شده امریکا است که می خواهد کشور های آسیایی میانه را نا امن سازد وبه باور وی حال اکثریت مردم میدانند و هر دو مجلس پارلمان هم به این قانع است که نا امنی های اخیر شمال کشور یک پروژه سازماندهی شده است که ضمن آن از افغانستان به حیث میدان جنگ استفاده میشود.

عرفان الله عرفان نائب منشی ولسی جرگه در این رابطه می گوید که شکی نیست که حلقاتی به سطح جهان وجود دارند که میخواهند در کشور ها و منطقه نا امنی را به وجود آورند و از آن به حیث یک وسیله فشار بر کشور های آسیای میانه و روسیه استفاده کنند.

نتایج کنفرانس اخیر قطر، در مورد صلح افغانستان:

عبدالغفور لیوال رئیس مرکز مطالعات ستراتیژیک و کار شناش مسایل سیاسی در رابطه به کنفرانس اخیری که در مورد صلح افغانستان از سوی یک نهاد کانادایی بنام (پگواش) در قطر بشمول شخصیت های حکومتی، نماینده گان مخالفان مسلح اعم از طالبان و حزب اسلامی به رهبری انجینر حکمتیار تدویر یافته بود، باور دارد که این گونه کنفرانسها به این دلیل حایز اهمیت نیست که در گذشته هم چنین کنفرانس ها ونشست ها نتیجه مشخصی نداشته است.

به نظر رئیس مرکز مطالعات منطقه یی، کسانی که به پروسه صلح در داخل حکومت باور دارند، تلاش می کنند ولی به این دلیل نتیجه نمی دهد که از طرف حلقات داخلی سبوتاژ میگردد و کشور های همسایه هم در مورد صلح افغانستان صادق نیست.

اما زبیر شفیقی مدیر مسؤول روزنامه ویسا کنفرانس اخیر در باره صلح بین مخالفین مسلح و حکومت افغانستان را یک زمینه خوب صحبت بین تمام جانب های درگیر میداند و می گوید ای کاش همه جوانب درگیر جنگ جاری در کشور میدانستند که در یک جنگ بیگانه وبرای منافع دیگران درگیر اند که با ادامه آن ملت را بیش از پیش وابسته میسازند.

به نظر این تحلیلگر و روزنامه نگار کوشش های حکومت تا حال به این دلیل موفق نیست که در اوایل صحبت ها را بسیار گرم عنوان می کرد ولی تا حال مخالفان مسلح از صحبت انکار کرده است و به نظر آقای شفیقی در آینده معلوم خواهد شد که تا چه حد طرف های در گیر موقف های یک دیگر را درک کرده است.

به باور دکتور مصباح الله کارشناس مسایل سیاسی حکومت و مخالفین مسلح دولت از صلح تصویر های جدا گانه دارند، حکومت میخواهد که مخالفین مسلح اسلحه را به زمین بگذارد و تسلیم شوند، در مقابل مخالفین مسلح هم میخواهند که حکومت به آنها تسلیم شود و تمام خواست های آنها پذیرفته شود که به باور دکتور مصباح الله در طول سیزده سال این درک غلط از مفهوم صلح باعث شده که این پروسه به کامیابی نرسد.

به باور دکتور مصباح الله باید هر دو طرف از خواست های خود تا حدی کنار بیایند و صلح را تنها تسلیمی طرف مقابل خود نداند.

عرفان الله عرفان نائب منشی ولسی جرگه در همین مورد می گوید اینکه صلح خواست عمده ای از مردم افغانستان است ما هم می خواهیم که به هر شکلی که میشود باید صلح در کشور تأمین گردد.

وی به اشاره به کنفرانس اخیر در قطر می گوید که در این کنفرانس با آنکه بالای بعضی موضوعات صحبت شد ولی از هر دو طرف اشخاص رسمی و دارای صلاحیت شرکت نکرده بودند.

د سولې غوښه به څوک سپړي؟

دولت که وسله وال مخالفین؟

عبدالرزاق حبیبي

له دې به تېر شو، چې سوله څه اهمیت لري او یا افغانانو ته یې اړتیا څومره ده، ځکه له تېرو څو لسیزو را پدېخوا په دې خبرو مقالې او آن کتابونه لیکل شوي دي.

افغانستان په سیمه کې د خپل حساس موقعیت په لرلو سره نه یوازې دا چې په خپله خاوره کې ثبات ته اړتیا ویني، بلکې د ټولې سیمې لپاره اړینه ده چې دلته سوله وجود ولري، خو دا چې د سولې کلي له چا سره ده او یا هم دلته سوله څوک غواړي او جنګړې ته څوک لمنه وهي؟ هغه ستره پوښتنه ده، چې له تېرې اوږدې مودې راهیسې یې خلک د ځواب په تمه دي، خو تر اوسه یې هم هېڅ د قناعت وړ ځواب نه دی تر لاسه کړی.

په دې وروستیو کې د هېواد امنیتي وضعیت تر پخوا ډېر ترینګلی شوی دی او داسې کمه ورځ تېریږي، چې په لسګونو میندې بورې او ماشومان مو یتیمان نه شي، خو دا چې ددې ټولو تر شا د چا لاس دی او یا هم د امنیتي وضعیت د خرابولو او افغانستان بحران ته په کش کولو کې څوک او کومې کړۍ ښکیل دي؟ ګڼو ځوابونو ته اړتیا لري.

له امریکا سره د امنیتي تړون تر لاسلیک وړاندې د غرب په اخور خوړونکو ټولو...ویل، چې ګني د تړون په لاسلیک سره به افغانستان کې امنیت راشي او دا وطن به ګل او ګلزار شي، خو په خواشینۍ سره نه یوازې داچې امنیتي تړون په افغانستان کې د سولې د راتګ په لاره کې مرسته کوونکی ثابت نه شو، بلکې د سولې په لاره کې پرانستې دروازې یې هم د کلونو لپاره وتړلې.

هېوادونه که تړونونه لاسلیکوي او یا هم قوانین جوړوي، نو موخه یې په همغه هېواد کې سوله، امنیت او پرمختګ وي، خو لکه څنګه چې د امریکا سره د امنیتي تړون په وخت کې هېوادپالو او افغانستان دوستو خلکو همدا یوه خبره کوله، چې نه دا چې امنیتي تړون افغانستان ته سوله نه راوړي، بلکې د سولې پرمخ لږ پرانستې دروازې هم بندوي او هېواد د همېشني بحران په لور بیایي، خو د تړون لیوالو به نه یوازې دا چې دې خبرې ته بالکل پاملرنه نه کوله، بلکې د افغانستان او نورو هېوادونو د حالتونو په ګډوله کولو سره یې هم دلته د متجاوزو عسکرو په شتون کې هوساینه او پرمختګ لیده، هغه څه چې لیدل یې ناممکن وو.

تړونونه او قوانین هغه څه دي چې لومړی یې د نړیوالو سره د غوره اړیکو او دویم یې د خپل ملت د سوکالۍ لپاره رامنځ ته کېږي، خو بدبختانه په افغانستان کې له یوه ستر او زبرځواک هېواد سره داسې تړون امضاء کېدلو نه یوازې داچې زمونږ هېواد ته سوکالي رانه وړه، بلکې برعکس ناوړه پایلې یې هره ورځ ددې خاورې بچیان د مرګ پر پوله اودروي.

له دې سره سره، چې اوس په هېواد کې امنیتي حالت مخ پر خرابېدو دی، هېواد مو هر اړخیزه زیان ګالي، اقتصادي حالت ورځ تر بلې د نزول پر لور روان دی او آن مخابرات چې په تېرو ۱۳ کلونو کې ورته زیان نه ؤ رسېدلی، په تېرو ورځو کې د تباهۍ شاهد ؤ، ځکه نا امني د یو هېواد له وګړو څخه یوازې ژوند نه اخلي، بلکې ډوډۍ، کالي او ټول شته یې لوټي.

نو دا چې جنګ مو هېواد څومره وځپلو او له دې ناورین څخه اوسمهال څومره کړېږي، یوازې افغانان یې درک کولی او ویلی شي، خو دا چې د ملت په سرنوشت څوک لوبې کوي، څوک سولې ته ژمن دي او څوک په جنګ کې خپله ګټه ګوري؟ ټولو ته معلوم دي. دا هماغه خلک دي چې د سولې کوچنۍ آوازه هم پورته شي، دوی یې پر وړاندې مقاومت ښیي او نه پرېږدي، چې په دې لاره کې پرمختګ وشي.

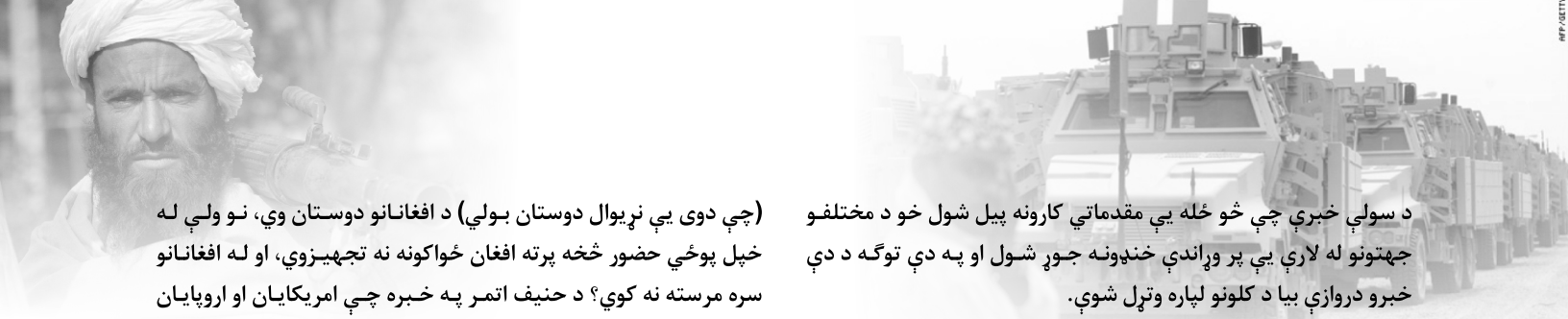

د سولې خبرې چې څو ځله یې مقدماتي کارونه پیل شول خو د مختلفو جهتونو له لارې یې پر وړاندې خنډونه جوړ شول او په دې توګه د دې خبرو دروازې بیا د کلونو لپاره وتړل شوې.

په وروستیو کې چې په قطر کې د افغانستان په اړه د سولې لپاره کوم کنفرانس په لاره اچول شوی ؤ، بیا یې هم یوه خبره په دا خبره په ډاګه کړه چې که څوک په ریښتینې توګه سولې ته لیواله وي، اوس هم د هېلو دروازې لا نه دي تړل شوي او داسې لارې شته چې له هغو نه په ګټې سره سوله راتللی شي.

د افغان ولسمشر څخه نیولې بیا په دولت کې ښکېل ټول لوري همدا خبره تکراروي چې سوله تر هر څه اړینه ده، نو په هر څه کې امریکایان هم راځي نو دا په دې معنی چې په افغانستان کې د امریکایانو له شتون څخه دلته سولې ته ډېره اړتیا ده، او سوله هم هغه وخت ممکنه ده چې کله امریکایان خپل پوځی حضور ته دلته د پای ټکی کېږدي، افغانان دا په میلیونونو ډالر نه غواړي، ځکه هغوی دلته ژوند غواړي او نن ټولو افغانانو ته معلومه ده چې په امریکایي ډالرو مست څو تنه هېڅکله سوله نه غواړي، ځکه په سوله کې د هغوی د نا امنۍ لپاره جوړېدونکي د لسګونو میلیونو ډالري پروژې له ګواښ سره مخ کېږي او د دوی شته موقف ته په کې زیان رسي، خو هغه بې وزله ملت چې هره ورځ د ځیګر ټوټې له لاسه ورکوی، هره ورځ یې میندې بورې او مېرمنې یې کونډېږي، نو ددې ټولو ګډوډیو زیان یوازې ملت دی، نه دوی ته، ځکه چې دوی خو خپل یو کیلومتری سفر هم په چورلکه کې کوي، خو بېچاره ملت هره ورځ یا د سړک د غاړې ماین او یا هم د ړندو بمباریو، ځان وژونکو چاودونو او راتلونکو میزایلو ښکار دی.

افغان ولسمشر اشرف غني د کاندیداتورۍ پر مهال خلکو ته ډېر سره او شنه باغونه وښودل، خو واک ته په رسېدو یې ثابته شوه چې په پوهنتونونو کې تیوري درس ورکوونکی جدا او عملي درس جدا وي، نو ځکه افغان ولسمشر هم اوس په تیوري کې شاید د نړۍ دوهم متفکر وي، خو په عمل کې یې نمبر هیڅ نه تر سترګو کېږي.

هر افغان سوله غواړي هغه که په هر قیمت وي، دا قیمت که ډېر ګران وي، خو د څو قوانینو بدلون به وي، د بهرنیو مداخلو نه شتون به وي، د بهرنیو پوځي حضور ته د پای ټکی ایښودل به وي او.... له دې پرته نور څه نه شي کېدلی، نو بیا ولې دا څو کوچنۍ غوښتنې د زرګونو افغانانو له ژوند څخه ډېرې ستړې وګڼل شي؟ ولې د هېواد چارواکو ته د افغان وینه دومره ارزانه ده، ولې د افغان نسل وژنې ته د امریکایانو پر حضور ترجیح ورکول کېږي؟ که دلته ډېر څه هم راشي، خو چې خوړونکې ګېډې تر خاورو لاندې وي، نو دهغې شتمنې څه ګټه؟

پخواني ولسمشر کرزي چې په افغانستان کې د جنګ اصلي لامل امریکا ښودله، نو هغه دا خبره د خپلو ترلاسه شویو شواهدو پر اساس کوله، نه د احساساتو پر اساس، نو اوسني افغان چارواکي بیا ولې ځانونه د خپل قاتل په غېږ کې مصئون بولي؟ که نړیوال او په ځانګړې توګه امریکایان (چې دوی یې نړیوال دوستان بولي) د افغانانو دوستان وي، نو ولې له خپل پوځي حضور څخه پرته افغان ځواکونه نه تجهیزوي، او له افغانانو سره مرسته نه کوي؟ د حنیف اتمر په خبره چې امریکایان او اروپایان ورته هر کال څلور اعشاریه نهه سوه میلیونه ډالره د نظامي ځواکونو لپاره ورکوي، چې ۷ سوه میلیونه ډالره یې بیا افغان دولت ورکوي، نو که همدومره مرسته چې اوس په نظامي برخه کې مصرفېږي، د سولې په شتون کې ولګول شي، نه یوازې دا چې د نظامي ځواکونو له لګښت څخه به ډېره شي، بلکې کیدای شي چې له دې مرستو څخه د هېواد په پرمختګ کې ګټه واخیستل شي، خو بیا هم خبره د کرزي ده چې د امریکایانو ګټه په جنګ کې ده او که جګړه ختمه شي نو د هغوی د حضور لپاره هم بهانه نه شي پاتې کېدلی.

نو کله چې امریکایان د نړۍ له هغه ګوټ څخه راځي او دخپل ولس د ساتنې په پلمه زمونږ د بچیانو وینې تویوي، نو آیا زمونږ چارواکي دومره زړه هم نه لري چې په خپل هېواد کې د خپل هېوادوال د وینو د ننګې په موخه د سولې لپاره په زړورتیا سره کار وکړي؟

ددې ټولو په سر کې ولسمشر- او اجرائیه رئیس دي، هغوی که په ریښتیني معنی سره د افغان ولس نماینده ګان او یا هم مشران ځانونه بولي، نو بیا به د ولس هیلې ته غوږ ونیسي، له مخالفو وسله والو سره به سوله وکړي او د هغوی روا غوښتنې دې ومني، د پردیو قواو شتون او ټوپک په تخرګ ګرځول د هېڅ افغان وجدان نه مني، نو کله چې د مخالفینو او افغان ولس د سولې لپاره شرط او غوښتنه له هېواد څخه د بهرنیو پوځي قواو وتل وي، نو بیا مونږ دلته بهرنیو ځواکونو ته څه اړتیا لرو؟ هغوی که زمونږ د ساتنې بهانه کوي، نو ولې نه پرېږدي چې نن هغه افغان ورور چې د ده د شتون له لامله له خپل بل افغان ورور سره په جګړه اخته دی، یو بل ته د مینې لاس ورکړي؟

نو د ملي یووالي حکومت اوس د دې فرصت لري چې د سولې په لور ګامونه پورته کړي، د سولې لومه ددوی په لاس کې ده، د بهرنیانو د وتلو او پاتې کېدو په اړه دوی غږ اوچتولی او عملي اقدام کولی شي، اوس د سولې کلي د دوی او وسله والو مخالفینو په لاس کې ده، هم پرې د سولې، پرمختګ او د شنه آسمان په لور تللې بندې دروازې خلاصولی شي او هم د دې کلي په ماتولو سره کولی شي افغانان د تورو تیارو غمونو، وژنو او زورونو بلې غټې کندې ته د لسګونو نورو کلونو لپاره ورټېل وهي، دوی خو به یا غرب او یا هم شرق کې پناه واخلي او له خپلو په بهر کې پرتو اولادونو او کورنیو سره به یو ځای شي، خو افغانان به همداسې هره ورځ د خپلو خپلوانو جنازې پر اوږو وړي او هېواد به د پرمختګ او آبادۍ پرځای پر کنډواله او هدیره بدلېږي!!!

فاجعه جامعه مدنی

عبدالاحد هادف

جامعه مدنی در هر جای دنیا اهمیت فوق العاده دارد و برجسته ترین مشخصه جوامع پیشرفته با نظام های مردمی است. جامعه مدنی در تعریف سازمانی آن، واسطه میان مردم و دولت است که پیام مردم را به گوش دولت می رساند و از دولت برای انجام تقاضاهای مردم ضمانت می طلبد. هر اندازه که این نهاد قوت گیرد، در واقع گراف تحقق خواسته های مردم بالا می رود و از فساد اداری و دولتی جلوگیری صورت می گیرد. عکس قضیه هم درست است.

متأسفانه در افغانستان این نهاد مثل هر بخش دیگر زندگی در این کشور، دچار فساد و تباهی شده است و به لانه ای بدل گردیده که هواخواهان خارج اکثراً به آن پناه می برند و در دیگ مدنیت چمچه می زنند و از گریبان جامعه مدنی سر می کشند و شعار می دهند به خاطر چی؟ به خاطر رسیدن به هدفی که در بطن شاعر (به معنای شعارده) است، المعنی فی بطن الشاعر. هدفی که پست و کوتاه باشد، ذات فرد و نهاد منسوب را مثل خودش پست و فرومایه می سازد و اعتبار و اعتماد را از هردو سلب می کند، که متأسفانه در افغانستان این کار صورت می گیرد.

در گذشته های نچندان دور کسانی مثل جویا و کامبخش و عبدالرحمن و غیره داشتیم که به خاطر زودتر رسیدن به مقصد اعلای شان که پناهندگی در غرب است، از دشنام دین و مقدسات شروع کردند و خود را مصلح و رهایی طلب و منجی کشور و مردم از لجن خرافات و تخلف و جنگسالاران و امثال آن نشان دادند، در حالی که در کنه دل می دانستند که به ریش همه می خندند و هیجان اصلی شان از نزدیك شدن به هدف اصلی بود. همان هم شد که وقتی به مقصد و بهشت برین رسیدند، دیگر صدا و شخصیت شان خفه شد و انگیزه های انسانی به خواب رفت و فکر و دهن شان برای ابد لاك خورد.

هر بار از این صداها که در کشور بلند می شود، کسانی مثل ما خوش می شویم که بالاخره ملت ما به آگاهی رسیده و با آیین اعتراض و انتقاد بلد شده و بر ضد ظلم صدا بلند می شود و زن ها به خودآگاهی رسیده اند و از این حرف ها... اما دیری نمی گذرد که متوجه می شویم پشت پرده این همه هیاهو چیزی جز هدفی پست نیست و انگیزه اصلی اکثر این معترضان فقط یکی است، لاغیر، که قربت به چشم کبود و غنودن در آغوش سپیدپوست غربی است!!

هر بار از این صداها که در کشور بلند می شود، کسانی مثل ما خوش می شویم که بالاخره ملت ما به آگاهی رسیده و با آیین اعتراض و انتقاد بلد شده و بر ضد ظلم صدا بلند می شود و زن ها به خودآگاهی رسیده اند و از این حرف ها... اما دیری نمی گذرد که متوجه می شویم پشت پرده این همه هیاهو چیزی جز هدفی پست نیست و انگیزه اصلی اکثر این معترضان فقط یکی است، لاغیر، که قربت به چشم کبود و غنودن در آغوش سپیدپوست غربی است!!

عملکرد اخیر خانم زرهپوش اگر توجیهی غیر از این دارد، به من بگویید...؟!

اړیکې: habibi@eslahonline.net

گلبرگهای ادب

غرور به مو وشرموي!

یوه ورځ یو کلیوال سړي له یوه کوڅې څخه د اغزنو لرګي بارکړي کور ته لېږدول، او چغې یې وهلې او خلکو! لاره پرېږدئ، لاره پرېږدئ! خلکو ورته لاره پرېښوده او همداسې روان ؤ، یو مغرور خان او ملک چې په کوڅه کې ولاړ ؤ، د کلیوال خبرو ته هېڅ پام ونه کړ او له ځایه نه خوځېده، د کلیوال سړي اغزي یې په جامو کې ونښتل او جامې یې څېري شوې، ملک قاضي ته لاړ او له کلیوال څخه یې شکایت وکړ، قاضي کلیوال سړی حاضر کړ او پوښتنه یې ترې وکړه، چې ولې دې د ده کالي شکولي دي؟ خو کلیوال سړي هېڅ ځواب نه ورکاوه او غلی ولاړ، قاضي ملک ته وویل، چې دداسې سړي سره به څه وکړې، چې خبرې نه شي کولی؟ ملک وویل نه صاحب! ښې سمې خبرې کولی شي، چې را روان ؤ چغې یې وهلې او خلکو! لاره پرېږدئ! او خلکو! لاره پرېږدئ، او اوس دلته غلی ولاړ دی، قاضي ملک ته وویل، نو چې له مخکې یې درته چغې وهلې چې لاره پرېږدئ او ته بیا هم د لارې منځ کې ولاړ وې نو په دې کې خو ته ملامت یې نه کلیوال سړی، ملک د ټولو خلکو په مخکې سخت خجالت او ټیټ سر له محکمې ووت.

ترکیې د لومړي ځل لپاره برېښنایي موټرې جوړې کړې. تمه کېږي چې دا موټرې د یوې یا دوو میاشتو په دننه کې بازارونو ته وړاندې شي.
د ویلو ده چې دا برېښنایي موټرې د ترکیې د حاجت تپه پوهنتون لخوا جوړې شوي دي.
د ترکیې د حاجت تپه د پوهنتون رئیس پروفیسور ډاکټر مراد تونجر د مسلې اړوند خبرې غونډې ته وویل چې د ترکیې لومړنۍ برېښنایي موټرې به انشاالله چې په ډېره لنډه موده کې بازارونو ته وړاندې شي.
نوموړي زیاته کړه چې د دې موټرو د طرحې او ډیزاین نه نیولې تر هر څه پورې ټول په ځایي امکاناتو او د ترکي انجینیرانو لخوا جوړ شوي دي.
نوموړي وویل چې په لومړني پړاو کې ۵۰۰ موټرې تولیدېږي او بازار ته وړاندې کېږي.
پروفیسور مراد تونجر زیاته کړه چې د ترکیې لومړنۍ برېښنایي موټر به دا پخپله وپیري. نوموړي وویل چې دا موټرې به نن ورځ په بازار کې د موجودو برېښنایي موټرو نه په ډېره ټیټه بیه بازار ته وړاندې شي.
ددې موټرانو ټولې پرزې د هیواد په تکنوکینټ کې جوړې شوي دي. دا موټرې په پرمختللې تکنالوژۍ جوړې شوي دي او د موازنې او راحتۍ له پلوه تر وروستۍ درجې راحته دي. نوموړي وویل چې زه ما چلولي دي. داسې ادعا کولی شم چې د موازنې له پلوه د سپورتي موټرو په څېر دي. د ګړندیتوب په برخه کې هم ښه ګړندۍ موټرې دي.
پروفیسور مراد تونجر وویل چې دا برېښنایي موټرې درې ډوله بازار ته وړاندې کېږي. سپورتي ، د مقام لپاره او د کورنیو لپاره ۴ دروازه یې.
دا برېښنایي موټرې د ترکیې د خلکو د مالي توان په اساس جوړې شوي دي. دا برېښنایي موټرې هم د ترکیې او هم د حاجت تپه پوهنتون لپاره د ویاړ سرچینه ده.

نارینتوب یوازې احساسات او جوش ندی

ای ورونو: خصوصا هغه چې زیات احساساتي او جذباتي دي او د زر پایلو غوښتونکي دي: واورئ! ستا سې دا لاره یوه ټاکلې شوې او ښودلې شوې لاره ده چې د هغې هر څه له پخوا څخه ټاکل شوي او معلوم شوي دي، زه د هغو پولو او ټاکلي شوی احکامو کوم چې زه پرې پوره قانع شوی یم هېڅکله هم مخالفت نه کوم او نه له هغه څخه تېرېږم، دا لاره ډېره اوږده او اغزنه ده خو سمه اونېغه لارده، پرته لدې لارې څخه د خلاصون او نجات بله لاره نشته.
نارینتوب یوازې احساسات او جوش ندی، او نه زر پایلو غوښتنه او لاس ته راوړنه ده بلکې حقیقي نارینتوب او غیرت پوره صبر، استقامت، کلکوالی، هر څه په سړه سینه اوږدل او په هغې غور کول دي او بیا په هماغه لاره تلل دی.
په تاسې کې چې څوک په ورغوي باندې د سر شمودانی کلکول غواړي هغوی دې پدې پوه شي چې دا ځای د دوی میدان او ساحه نده او نه دلته د هغوی مطلب پوره کېدای شي، هغه څوک چې د پخوالي څخه مخکی مېوه راشکول او د غوړېدوڅخه مخکی دګل سره لوبې کول غواړي! زه او هغوی سره یو ځای نشو چلیدای، زه داسې ببړه کوونکي او احساساتي خلکو ته نصیحت کوم هغوی دې دا تحریک، ګوند او حرکت خوشې کړي او د خپل مطلب ځای ته دې ولاړشي.
د اسلام ورونو!هغه څوک چې په صبر،حوصله، استقامت او مضبوطو قدمونو باندې زما سره تلل غواړی نو پدې دې پوه شي چې لومړی به تخم او دانه اچول کېږی، بیا به هغه رازرغونېږی اووروسته به نمواوده کوی، دټاکلی وخت اوکوښښ څخه وروسته به ګلان غوړېږی اومېوه به نیسي. بیا دانتظارڅخه وروسته به ګلان غوړېږی اومېوه به نیسي. بیا دانتظارڅخه وروسته به مېوه پخېږي اودهغې څخه وروسته د مېووراټولولووخت راځي. (امام حسن البناء)

وخت او اسلام له مونږ څه غواړي؟

زمونږ څخه غواړي، چې ته یو انسان او مسلمان یې! د خدای د خلافت دنده په غاړه لرې نو په پوره توګه یې سرته ورسوه، لومړی په خپله دین یاد کړه بیا یې نورو ته ورسوه لکه چې حدث دی (خیرکم من تعلم القرآن و علمه) زمونږ څخه غواړي چې ټولنه مو د کفر تر اغېز لاندې راغلې ددې اغېز نه راویستل په کار دي آیا مونږ دې غوښتنو ته څومره ځواب ویلی؟ او څومره به یې ووایو؟ نو ګرانې خورې پورته شه، ویښه شه د ځان نه ژوندی قرآن جوړ کړه، چې رڼا دې هر ځای خپره شي!. (فرشته روحانی)

و معلوماتی

داروهای خواب‌آور بی‌خوابی را تشدید می‌کنند

برخی از افراد حدود هفت یا هشت ساعت می‌خوابند اما وقتی بیدار می‌شوند همچنان احساس کسالت می‌کنند.باید توجه داشت که یک مشکل جدی که می تواند بی‌خوابی را تشدید کند، استفاده از داروهای خواب‌آور از دسته بنزودیازپین‌ها است که نامشان با پام تمام می‌شود.

از این نوع داروها می‌توان به دیازپام، اگزازپام و... اشاره کرد .آثار این داروها در یکی دو هفته اول شروع مصرف خوب است اما بدن فرد پس از مدتی به آنها عادت کرده و اثرات دارو به تدریج از بین می‌رود و دیگر کارساز نخواهد بود.

در واقع فرد با دو مشکل یعنی بی‌خوابی و وابستگی به دارو مواجه است که اگر مصرف آن را قطع کند شرایطش بدتر خواهد شد.

اگر فرد از بی‌خوابی رنج می‌برد قبل از مزمن شدن آن و قبل از این که به دارویی وابسته شود با پزشک مشورت کند تا علت آن بررسی و درمان شود. (منبع: سلامانه)

امریکا یا ورکشاپ؟

یک سال را در آن ورکشاپ سپری کردم . ورکشاپی که آنرا دنیای مترقی مینامند. و بین شهر های بزرگ و کوچکش سفرهایی داشتم واشنطن, نیویارک, دنفر و گریلی ... این همه شهر هارا دیدم.

چنان بنظر میرسد که نبوغ امریکایی ها همه در میدان کار و دستاورد های مادی خلاصه شده باشد. و همه جهد و سعی شانرا فقط در همین عرصه به خرج داده باشند, تا اینکه آن نبوغ و مغز ها بکلی فارغ گشته و دیگر قابل افزایش و دستاورد ها در عرصه ارزشهای انسانی نیست. این حقیقت است که در عرصه های تعمیر و بنا و دستاوردهای مادی به اندازهٔ پیشرفت کرده اند و کارهای معجزه آسایی کرده اند که انسان تا خود نبیند, تصور نمیتواند . چیزی کرده اند که در تاریخ بشریت نظیر ندارد. مگر در عرصهٔ ارزشهای انسانی و اخلاقیات, انسان امریکایی انسانیتش را در مقابل آلات و وسایل, از دست داده , به اندازهٔ که گمان میشود خود انسان آله گشته است. امریکا میتوان ورکشاپی باشد که گنجایش همه آلات از بین رفتهٔ دنیا را و توان اصلاح نمودن عیوب آن آلات را بوجه احسن و اکمل دارد. مگر اینکه همه جهان مانند امریکا باشد, جای شک نیست که این تباهی بشریت است. (سیدقطب رحمه الله)

پسران مرد دانا و درخت گلابی در چهار فصل

مردی چهار پسر داشت . آن ها را به ترتیب به سراغ یک درخت گلابی فرستاد که در فاصله ای دور از خانه شان روییده بود . پسر اول در زمستان ، دومی در بهار، سومی در تابستان و پسر چهارم در پاییز(خزان) به کنار درخت رفتند . سپس پدر همه را فراخواند و از آن ها خواست که بر اساس آنچه دیده بودند، درخت را توصیف کنند.

پسر اول گفت : درخت زشتی بود، خمیده و در هم پیچیده. پسر دوم گفت: نه . درختی پوشیده از جوانه بود و پر از امید شکفتن. پسر سوم گفت: نه . درختی بود سرشار از شکوفه های زیبا و عطرآگین و باشکوه ترین صحنه ای بود که تابه امروز دیده ام. پسر چهارم گفت: نه !!! درخت بالغی بود پربار از میوه . پر از زندگی و زایش!

مرد لبخندی زد و گفت: همه شما درست گفتید، اما هر یک از شما فقط یک فصل از زندگی درخت را دیده اید! شما نمی توانید درباره یک درخت یا یک انسان بر اساس یک فصل قضاوت کنید. همه حاصل آنچه هستند و لذت، شوق و عشقی که از زندگی شان برمی آید، فقط در انتها نمایان می شود. وقتی همه فصل ها آمده و رفته باشند! اگر در " زمستان " تسلیم شوید، امید شکوفایی " بهار " ، زیبایی " تابستان " و باروری " پاییز " را از کف داده اید!

مبادا بگذارید درد و رنج یک فصل زیبایی و شادی تمام فصل های دیگر را نابود کند! زندگی را فقط با فصل های دشوارش نبین ؛ در راه های سخت پایداری کن، لحظه های بهتر بالاخره از راه می رسند ! (از سایت پندآموز)

وسایلي آسان جهت کاشتن محبت پیامبر در دل و درون فرزندانمان

- بازگویی داستانهای معجزات نبوی.
- بازگویی اخلاق و صفات برجسته ی پیامبر صلی الله علیه وسلم در رابطه با یاری رسانی وحمایت و طرفداری از فقراء و ستمدیدگان و اظهار و نمایان کردن مهر و محبت ایشان نسبت به تمامی یتیمها و مساکینی که در اطراف او زندگی مي‌کردند.
- بحث در مورد اینکه پیامبر اسلام تنها کسی است که در روز قیامت شفاعت می کند و تنها شفاعت او ارزش دارد و به آن پاسخ مثبت داده می شود.
- بازگویی خدمات و جانفدایی اصحاب بزرگوار در راه خدمت رسانی به پیامبر صلی الله علیه وسلم.
- سنتهای پیامبر صلی الله علیه وسلم را به فرزندانمان یاد دهیم وبه آنها یادآور شویم که این سنتها را حفظ کنید زیرا شما را از شیطانهای انس و جن محفوظ مي‌دارد.

محمد صلی الله علیه وسلم

ادبیات او سوله

محمدآصف احمدزی

ادب په ټولنه کې د انساني ژوند د تجربو او حالاتو زېږنده ده، په ادب کې انساني فکر او احساسات په هنري بڼه وړاندې کېږي؛ نو له همدې امله، ادب له ژوند او د ژوند له حقایقو سره نېغه اړیکه لري.

د هر مهال او دورې په ادب کې، د هغه وخت او زمان غوښتنې او تمایلات انعکاس مومي، نو له دې جوتېږي، چې د ټولنې په پرمختګ او ذهني لوړتیا کې ادب رغنده ونډه لري. د دې بالعکس د یوې ټولنې په شاتګ او ذهني اړدوړ کې هم، د ادیبانو او شاعرانو اغېز شته دی.

له بلې خوا سوله ییز ژوند د هر انسان او ټولنې مسلم حق دی، خو یو شمېر ټولنې او کسان له بده مرغه له دغه نعمت څخه بې برخې دي. زموږ هېواد چې له تېرو څو لسیزو راهیسې په کې جګړې خپلې منګولې خښې کړي او هېوادوال مو د ویر په ټغر ناست دي، تر هر څه وړاندې ورته د آرام او سوکاله ژوند اړتیا لیدل کېږي.

له تېرو درې نیمو لسیزو راپدېخوا او په ځانګړي ډول اوسمهال، زموږ له هېواده امن او سولې کډه کړې او هېوادوال مو په بېلابېلو وختونو کې د ناامنۍ په اور کې سوځي. په دې حساس پړاو کې ادیبان او شاعران د امن د استازو په څېر، له دې ناوړه حالته د خلاصون په موخه د امن، مینې او انساني عاطفې د ټینګښت او ویښولو په موخه باید لارې چارې ولټوي.

ادبیات هغه څه دي، چې له لارې یې د خلکو ذهنیتونه روښانه کېږي، هغوی ته د سوکاله ژوند لارې چارې ور ښودل کېږي او له دغه الهي نعمت څخه خلک په ښه او اغېزناکه ډول خبرول کېږي؛ نو ویلی شو، چې د سولې په پیاوړتیا کې د ادبیاتو ونډه ډېره اغېزمنه ده.

د سولې او ادبیاتو موضوع ته کار کول، چې په اوس وخت کې په هېواد کې د سولې اړتیا له بل هر څه ډېره لیدل کېږي، یوه اړینه او لازمي چاره ده. د دې له پاره باید ټولې فرهنګي مؤسسې او کړۍ خپلې هڅې ګړندۍ کړي، ترڅو د علمي - څېړنیزو کنفرانسونو، سیمینارونو، لیکنو او خپرونو له لارې لیکوالو او شاعرانو ته دا ذهنیت ورکول شي، چې د ادبیاتو له لارې د سولې له پاره کار وکړي. په دې اړه باید د کتاب ښارګوټي، د سولې په اړه فلمونه، ستېج ډرامې او داسې نورې جوړې کړای شي.

په دې اړه، که هرڅوک اقدام کوي او وده ورکوي، پرځای او مثبت ګام به وي، چې هرومرو به د افغاني ادبیاتو په وده او پرمختګ مثبت اغېز وښندي او د سولې په رامنځ ته کېدو کې به خپله ونډه ترسره کړي او د سولې په تړاو به د خلکو ذهنیتونه اماده او چمتو کړي.

نو دا د ټولو لیکوالو، شاعرانو او له فرهنګي حلقو سره د تړلو کسانو مسؤولیت دی او دنده یې جوړېږي، چې د خپل هېواد د سوکالۍ او آرامه ژوند د راتلو په موخه، په دې اړه متې راونغاړي او په خپلو ویناوو، لیکنو، شعرونو او نورو خپرونو کې دغه موضوع وځلوي، په خپلو ادبي تخلیقاتو او پنځونو کې سوله یاده کړي او ملاتړ یې وکړي.

په دې سره به مو د بل شوي اور په مړه کولو کې خپل مسؤولیت رفع کړی وي او د افغان میندو د اسوېلو او فریادونو په پای ته رسولو کې به مو له هغوی سره ستره مرسته کړې وي او بالاخره به مو هېواد له ناامنۍ او بې ثباتۍ څخه د رڼایي، پرمختګ او سوکالۍ لور ته خوځولی وي.

په پای کې ویلی شم، چې ادبیات د سوله ییزې فضا په رامنځ ته کولو کې ارزښتمنه ونډه ترسره کولی او زموږ ژوند ښکلی کولی شي.

غرب، قتل عام مسلمین را نادیده گرفته است

نویسنده: جاستین مک کارتی

جاستین مک کارتی، مورخ و جمعیت‌شناس دانشگاه لویزیل، از قتل عام و اخراج مسلمانان بین سال‌های ۱۹۲۲- ۱۸۲۱ در بالکان، قفقاز، و آناتولی، پرده برداشت.

درحالی که دول غربی در پی آن هستند که رویدادهای سال ۱۹۱۵ را«نسل کشی» بنامند، اما رنج و آلام میلیون‌ها مسلمان را که در آخرین سالهای عمر امپراتوری عثمانی، قتل عام و یا مجبور به ترک سرزمین‌های خود شدند، نادیده گرفته‌اند.

رویدادهای سال ۱۹۱۵ در طول جنگ جهانی اول به وقوع پیوست، و آن، هنگامی بود که بخشی از ارامنه‌ای که در حیطه‌ی امپراتوری عثمانی زندگی می‌کردند، با حمایت و تحریک شوروی مهاجم، سر به شورش برداشتند.

نقل مکان شورشیان ارمنی در شرق آناتولی، منجر به نتایج ناگواری برای طرفین گردید، که ترکیه نیز آن را انکار نکرده است. اما جلوه دادن آن حوادث تحت عنوان«نسل کشی» را نمی‌پذیرد.

ترکیه، مورخین جهان را به تاسیس یک کمیسیون مشترک، و مطالعه‌ی دقیق بایگانی رویدادها فراخوانده است، تا آن‌چه که در آن دوره بین امپراتوری عثمانی و شهروندان ارمنی آن رخ داده‌است، آشکار گردد.

جاستین مک کارتی، مورخ و جمعیت‌شناس دانشگاه لوویزویل، در کتابش به نام: «مرگ و تبعید: پاکسازی قومی مسلمانان عثمانی» از قتل عام و اخراج مسلمانان بین سالهای ۱۹۲۲- ۱۸۲۱ در بالکان، قفقاز، و آناتولی، پرده برداشت. وی به قتل عام، تبعید و مهاجرت اجباری بیش از پنج میلیون مسلمان اشاره می‌کند که در داخل مرزهای عثمانی و در هنگام ضعف این امپراتوری صورت گرفت. بیشتر مسلمانانی که مجبور به مهاجرت شده بودند، به سبب گرسنگی و بیماری جان باختند.

علیرغم آن، تاریخ قتل عام مسلمانان در بالکان، قفقاز و آناتولی، به فراموشی سپرده شد و در هیچ یک از کلاس‌های تاریخ مطرح نگردید.

اولین کشتار توسط یونانیان

در اوایل ۱۸۰۰ مسلمانان ترک در تراکیه‌ی غربی مورد هدف گروه‌های مسلح یونانی قرارگرفتند. این گروه‌ها، مسلمانان ترک را مانع تشکیل دولت یونان که فقط متعلق به یونانیان بوده، می‌دانستند. در سال ۱۸۲۱ روستائیان و شهرنشینان مسلمان در این کشور مورد حمله قرار گرفته و بسیاری قتل عام، و باقیمانده مجبور به ترک خانه‌های خود شدند. بیش از ۲۵ هزار مسلمان در طول این مدت توسط گروه‌های مسلح یونانی به قتل رسیدند.

مهاجرت اجباری مسلمین

بنا به نوشته‌ی مک کارتی، در اوایل قرن نوزدهم، به تبع سیاست روسی سازی منطقه، تاتارهای کریمه و نوغانی مجبور به برگزیدن دو راه شدند، یا به مناطق مرکزی روسیه بروند (تا سپس در فرهنگ و زبان روس استحلال شوند) یا به سوی قلمرو امپراتوری عثمانی مهاجرت نمایند. روند کوچ اجباری تاتارهای نوغانی تا سال ۱۸۶۰ ادامه داشته و حدود ۳۰۰ هزار تاتاری در این مدت مجبور به ترک خانه وسرزمین خود شدند. این کتاب همچنین می‌افزاید: با حملات روس‌ها، شورش‌های ارامنه در امپراتوری، و کوچاندن اجباری مسلمانان، نسبت جمعیتی قفقاز و امپراتوری عثمانی در طول مدت قرن نوزدهم، وارونه شد. قبل از تهاجم روسیه، جمعیت مسلمانان قفقاز را ترک‌های آذربایجان و ایروان، ملیت‌هایی از چرکس، ابخازیان، چچن-اینگوش، و داغستان تشکیل داده بودند. بعد از کنترل قفقاز از سوی روس‌ها، آن‌ها مسلمانان را مجبور به ترک وطن کردند. مسلمانان چرکس و سایر قفقازی-ها، از طریق دریا به مرزهای امپراتوری عثمانی (ترابزون امروزی در شمال ترکیه) منتقل شدند. بیش از ۳۰ هزار نفر در این مدت به سبب بیماری و سوء تغذیه جان باختند.

طبق توضیحات این مورخ، در طول جنگ‌های بین مسلمانان و ارامنه در آناتولی شرقی، ۶۲ درصد مسلمانان ساکن در استان وان، ۴۲ درصد در بتلیس، و ۳۱ درصد در ارزروم قتل عام شدند.

تغییر توزیع جمعیت در بالکان

مک کارتی گفت: جنگ روسیه و ترکیه (۱۸۷۷-۱۸۷۸) به دلیل قتل عام‌هایی که توسط روس‌ها و بلغاری‌ها صورت گرفت، برای ترک‌های بلغارستان بسیار ویرانگر بود. زیرا علاوه بر آن، بسیاری از مسلمانان از گرسنگی، بیماری و شرایط نامساعد اردوگاه‌ها جان باختند.

این کتاب توضیح می‌دهد که روس‌ها چگونه طرح‌های حذف حضورترک‌ها در بلغارستان را پیاده کرده و بر خانه‌های مسلمانان آتش گشوده و از برگشت آنان به بلغارستان جلوگیری می‌کردند. در سال ۱۹۱۱ توزیع جمعیت به طور کلی تغییر پیداکرد و به دنبال کشتار جمعی در بلغارستان، مسلمین، اکثریت را در بالکان از دست دادند.

قتل عام ترک‌ها در ازمیر

مک کارتی، به موضوع کشتار جمعی مردم ترکیه در طول اشغال آناتولی غربی توسط یونان در ماه می۱۹۱۹ اشاره می‌کند. در آن موقع، جمعیت مسلمانان ۸۰ درصد بود. روستاهای ترکیه به آتش کشیده شده و تخریب شدند. بعلاوه، در فاصله‌ی بین سال ۱۹۲۲ و جنگ استقلال سال ۱۹۱۲ بیش از یک میلیون و دویست هزار مسلمان کشته شدند. بعد از اتمام جنگ، مسلمانان باقیمانده، مجبور به ترک سرزمین خود شدند.

منبع: پایگاه اطلاع رسانی اصلاح

پینه دوز باسواد!

محمد هاشم یوسفی

بود نه بود، غیر از خدا هیچ نه بود.

در زمانه های نه چندان دور مردی بود کاکا شیرو نام، گل آدمی بود، اگر چه روز و روزگاری خوبی نه داشت، اما هیچ وقت به کس تن نه میداد. همرای کلان، کلان مردمان، خصوصا خویش وقوم سیالی و شریکی و نان جنگی می کرد.

در لب دریا مرادخانی بساط موچی گری داشت. مگم از آن موچی های سکه نبود، تنها هفت، هشت رقم میخ کله نخودی، انواع و اقسام تل ها و پتک های بوت و کلوش و پیزار در بکس موچی گری خود داشت. شانزده رقم رنگ بوت فرمایشی با الوان مختلف زینت بخش و جلا دار دکان سیارش را رونق می بخشید. آدم های زبده زبده بوت های خود را پیشش ترمیم و رنگ می کردند، چه عرض کنم متخصص بوت بود، متخصص.

کاکا شیرو در عالم بیسوادی ضمیر روشن داشت و علاقه مند سواد بود. یگانه پسرش (عبدل) را از سن هفت سالگی به مکتب سیاه کرد، به عبدل که بعد از ظهرها از راه مکتب نزد پدر آمده و شاگردی می کرد، نصیحت نموده می گفت: او بچه عبدل! کوشش کو که باسواد شوی، سبق و تعلیم یاد بیگیری، داکتر و انجنیر و پروفیسر شوی، باز او وقت نانت سر سنگ است، نه شود که تنبلی و مکتب گریزی کنی، که باز مثل مه واری گرد و خاک قف بوت های مردم دماغته خشک و چملک کنه، نوک های انگشتانت غار غار میشه و خون از کفت می پره!

عبدل هم گپ پدر را گوش می داد و بر علاوه یادگرفتن سبق های مکتب، گوشه ای از بار زنده گی پدر را نیز با کار کردن بعد از ظهرها به شانه می کشید.

***

هر قدر بابه شیرو پیر و شکسته و فرتوت می شد، همانقدر عبدل، تازه و بشاش و جوان و نیرومند می گردید، حال دیگر عبدل باسواد بود، مکتب و فاکولته را خلاص و آرزوهای شرینی را به سر می پروراند. وقتی شب ها به بستر می افتاد بین خواب و بیداری به چرت می رفت و می دید که.... وطن آباد و معمور شده، فلاکت، فقر و بدبختی از بین مردم رخت بسته، هر کسی به کاری مشغول است، ایمان، دیانت، تقوا و صداقت از سر و صورت فرد فرد مردم فواره می کنند. همه برای پیشرفت و تعالی و ترقی کشور خود کار می کنند، و زحمت می کشند، هیچ کس حرافی نه می کند، همه عرق می ریزند و تلاش دارند. باز جتکه خورده بیدار می شد، در دهن احساس شیرینی می کرد، با چهره پرخنده و بشاش به خواب خود ادامه می داد.

***

عبدل از طریق مرجع مربوط به یکی از وزارتخانه ها به حیث فرد تعلیم یافته معرفی و مقرر شد. در روز اول مقرری عبدل، کاکا شیرو و خاله شیرین مادر عبدل در پیراهن جای نمی شدند، یک دیگ حلوای کلان نذر کرد، به همسایه و کوچگی ها افاده میفروختند که گویا پسری "باسواد" دارند.

چند روز از مقرری عبدل تیر نشده بود که غلام جان سر کاتب شعبه شان خطاب به عبدل گفت: عبدل جان در این دفتر خو مقرر شدی! خدا نیک و مبارک کنه، اما نگفتی که در کدام خانه کار هستی؟ عبدل بی خبر از همه جا گفت: غلام جان نفهمیدم منظورت چیست؟ غلام گفت: بیبین او بچه! توهم چوچه کابل هستی و مه هم، خوده ده کوچه ای حسن چپ نزن! در ای دفتر کسی مفت و رایگان مقرر نمی شه. تو هم از دو حالت خالی نیستی: یا خوب لکه پیسه دادی، یا کدام واسطه دبل داری، میگن پیش پنج هم پنج، پیش صاحب پنج هم پنج. می فامی! حالی همکار ما شدی، بعد از این در یک دیگ و کاسه نان میخوریم، قول بیادری میدهیم. راستشه بگو که ما هم سر خود بفامیم، اول بگو چند دادی؟ اگه پیسه ندادی، بگو که از کلان ها کی واسطه ات هست؟.

عبدل در حالیکه تغییر رنگ داده بود، گفت: مامور صاحب! گپته سنجیده بزن، "تو می فامی که مه کیستم" نصف عمرته تحصیل کردیم، مره خیال از او آدم های لاوبالی نکنی، مه اینجه به زور بازویم، به زور علمم، به زور تحصیلم، به زور اخلاقم مقرر شدیم. نه پیسه و نه تنگه دادیم و نه واسطه ماسطه دارم.

غلام با یک خنده لجوجانه گفت: عبدل جان پیشتر برت گفتم، مه می شناسمت که بچه بابه شیروی پینه دوز هستی، از امریکا نیامدی، کدام خانه و خانواده یی هم نداری "مگر نصیحت مره گوش کو، خوار نمی شی، ای دفتر جوی طلا ونقره است، پشت تالیم مالیم نگرد، چاره و پردیته کو، آینده داری، سبا صاحب زن و فرزند میشی، غم زندگی ات را بخور، صاحب یک آرگا و بارگاه خوده بساز، نصیحت مره گوش کو، سبا روز مره دعا میکنی، کتی مه قول بیادری بتی، دگه توره غرض نیست. هر هفته ده برابر تنخایته میتم، مقصد کاری که من میگم همو قسم کو، دیگه سر فلک هم ری نزن. اینه به قسم حسن نیت ده قطعه هزاری ره که هنوز رویشه افتو و ماتو ندیده پیشکی میتم، که باز نگویی غلام بد قول است....

رنگ از رخ عبدل پرید، رگ های گردنش نیغ شد، اگر دفتر رسمی نمی بود خوب یک شکم لتش میداد. در حالیکه دهنش خشکی میکرد و به سختی میتوانست کلمات را اداء کند، خطاب به غلام گفت: افسوس که دفتر است، اگه نی حقته به دستت میدادم. تو کودن نمی فامی که ۱۶ سال تحصیل کدیم، ۱۶ سال عشق اعتلای وطن به سرم چرخ میخوره، با یک دنیا آرمان و آرزو به کار آغاز کردیم، هنوز نامم در کتاب حاضری به قلم پنسل نوشته

است، تو مره به رشوت و حرامزاده گی تشویق میکنی؟ دفعه اول است، بار دوم اگر اینطور بد کردی، به مدیر عمومی و رئیس پیشت میکنم، مه به این قسم پیسه ها گنده ونجس ضرورت ندارم.

غلام در حالیکه به نگاه معنی داری عبدل را نظاره میکرد، گفت: ببخشی بادار غلط کردم، امتحانت میکردم. آفرین شاباش مثل خودت واری تحصیل کرده ها وبا سوادها در آینده نزدیک کشوره از بدبختی و فلاکت نجات میدهند، کوشش کو ان شاء الله به یک جای میرسی!!!. از آنروز به بعد عبدل علاوه بر اینکه با غلام گپ نمی زد، چارچشمه متوجه بود تا کدام کار خلاف نکند.

***

دو هفته پس از تقرر عبدل، پیشنهاد از طرف آمر دفتر عنوانی مقامات بالای وزارت تقدیم و تذکار داده شده بود که ... عبدل خان مامور صاحب جدید التقرر از هنگام اشغال وظیفه الی الیوم، مدت ده روز پس از امضای حاضری صبح بدون کدام اطلاعیه قبلی وظیفه را ترک و مدت کمی هم که در شعبه تشریف دارد با استعمال کلمات خلاف پرنسیپ های رسمی به آزار و اذیت مراجعین میپردارد. بناء نسبت عدم شایستگی و جلوگیری از رکود کار های اداری امید واریم در قسمت تبدیلی نامبرده تصمیم اتخاذ فرمائید، البته بعید از لطف آن مقام عالی نخواهد بود، در حشو پیشنهاد چنین احکام عنایت گردیده بود.

ملاحظه شد! موصوف تنبیهاً به ولایت غور تبدیل شود.

یک هفته بعد عبدل با مکتوب مهر ولاک شده از اینکه از شعبه ملوث تبدیل شده بود، با دل خوش عازم وظیفه جدید گردید..... چهل روز بعد عبدل باسواد با مکتوب سر بسته دیگری به خاطر عدم لیاقت و بی سوادی دوباره به مرکز اعزام شد.

یکماه را در دفتر در کتاب حاظری مامورین منتظر با معاش امضاء میکرد. بعداً در کته گوری مامورین با سواد و تحصیل کرده که در اداره "حق اولیت داشتند" در مربوطات ولایت نیمروز مقرر شد. دو ماه پس مجدداً با مکتوب خاص وعلاوه از بی لیاقتی و هرزگی به مداخله در کارهای سیاسی نیز متهم و به مرکز معرفی شد. عبدل بیچاره این مراتبه گوش مالی به واجب دیده و اخطار رسمی گرفته مدت سه ماه در حالت انتظار بدون معاش به سر برد، و باز هم به حیث کاتب ابتدایی به ولایت پکتیکا اعزام شد.

***

در مدت زمان کمتر از یکسال عبدل چاردانگ کشور را زیر پا گذاشت. ده، دوازده مراتب به اثر بی لیاقتی، بی سوادی، کودنی، بی حیایی، دیده درایی، اخذ رشوت و اختلاس، مداخله در امور سیاسی، عدم اطاعت آمرین، آزار و اذیت مراجعین وظیفه گریزی و.... تغیر وتبدیل شد، در حالیکه هیچ یک از این مهرها به پیشانی اش نخورده و مثل الماس پاک و شفاف بود. هرکجا رفته دم از صدق و صفا و راستی و وطن دوستی زده بود.

عبدل تصمیم گرفت تمام چشم دیدها و خیانت های شعباتیرا که خود به چشم دیده بود به مقامات بالا گزارش دهد، نامه مفصلی شامل چند ورق عنوان مقام اول وزارت تحریر و رهسپار صندوق شکایت شد که در چمن پر گل ومصفای وزارت در پایه مقبول نصب شده بود، وقتی نزدیک صندوق شد، دید نوشته های عجیب با خط های غریب زینت بخش اطراف و اکناف صندوق هست، بعضی نوشته ها خوانده میشد، بعضی نمی شد، از بعضی رنگ ورخ رفته، از بعضی یکی دو کلمه مانده و بعضی دیده نمی شد. حس کنجکاوی عبدل تحریک و کوشش کرد تا نوشته جات را بخواند.... در یک گوشه صندوق به قلم خودکار نوشته شده بود. "مدیر خدمات رشوت می خورد" جوار آن به خط دخترانه نوشته بودند "مامور صاحب خریداری هم رشوت می خورد" باز به قلم سرخ نوشته بود "امروز مدیر فروشات اموال بیکاره با تایپست دفتر خود توسط موتر جیپ فرفرک واری از اداره خارج شدند، با احترام از طرف "زیرک" فقط مورخه ۱۱/۵/۱۳۴۱، در کنج دیگر صندوق با خودرنگ نوشته بود "هر که رشوت خورد، معتبر میشود."

زیر آن نوشته بودند "هر کی بوت پاکی کرد تاج سر میشود". در قسمت بالای صندوق نوشته بودند "من تورپیکی جان منتظم کانتین را دوست دارم" پهلویش نوشته بودند "من هم دوست دارم" کسی به قلم توش نوشته بود: "تحویلداران تیل را دوزدی میکنند" بعد به قلم سبز پهلویش نوشته بودند "احمق به توچه، تو هم دوزدی کو". به یک قسمت دیگر نوشته بودند: "امروز ساعت ده بجه پنج شنبه مدیر تصفیه اوراق، جاروب ها و کاغذهای تشناب را به خانه برد". پهلویش نوشته بودند "برو گمشو! اگر دست تو هم برسد از سنجاق صرفه نمی کنی" ..... و بعضاً جملات دیگری که قلم از نوشتن آن عاجز است.

عبدل با چشمان متعجب و ذهنی باز نوشته ها را خوانده، در حالیکه طایر خیالش در عالم دیگری سیر مینمود، پاکت را بداخل صندوق شکایات انداخت که همزمان پیش پایش افتاد. اصلاً تخته زیر صندوق را کنده وبرده بودند.

***

حالا دیگر برای عبدل راه و روش زنده گی روشن شد، با خود در جدال و مناقشه بود که چرا با سواد شده؟ در چنین محیطی سواد به چه درد میخورد؟ باید بیسواد میبود، تا آرام میبود. کاکا شیرو دیگر فرتوت و از پا افتاده بود، باید چاره ای سنجید و شکم خانواده را سیر کرد.

بالاخره عبدل تصمیم خود را گرفت، تخته پاره چوبین را رنگ سیاه نمود، رویش عبارات ذیل را مشق کرد: "دکان خلیفه عبدل موچی، پسر استاد کاکا شیروی پینه دوز، دارای دیپلوم تحصیل از پوهنتون کابل، هر نوع بوت و چپلک وسلیپر و پیزار زنانه و مردانه و بچه گانه رنگ و ترمیم و پالش میشود، امتحان شرط است". در گوشه یی از لوحه دیپلوم خود را نیز قاب اویزان نمود.

عبدل وقتی روزها مصروف فرو بردن میخ های کله نخودی به کف پیزارهای مشتریان می بود، با خود زمزمه می کرد.... عبدل ترا به سواد و تحصیل چی، حیف عمرت که عبث تیر شد، اگر هر کسبه پیشه میکردی، حالی خلیفه بودی، همین کسب پدری بسیار برت واره دار بود، بعضاً این بیت با مفهوم به خاطرش خطور میکرد:

پسر کو ندارد نشان از پدر
تو بیگانه پندارش مشمارش پسر

منبع: جریده پیغام، شماره شصت و پنج، اسد و سنبله سال ۱۳۷۵

د سولې لپاره د ولسي هڅو اړتیا

لیکنه: اجمل جلال

د قطر له کنفرانس څخه وروسته ځینو کړیو بیا د سولې پر وړاندې د دریدلو څرګندونې وکړې. هغه کړی چې د سولې مخالفت کوي د داعش د راتلو لپاره هم ډنډوره وهي او په ولس کې نوي وېره خپروي. همدغو کړیو د حکومت په دوهمه ورځ د امریکا سره امنیتي تړون هم لاسلیک کړ. دا کړی ټولې د دولت رسمي چارواکي دي. لنډه دا چې په دولتي چوکاټ کې د ننه د سولې د نه راتلو او د بهرنیانو د حضور د دوام لپاره کلکه لېوالتیا شته. دا ځکه چې روانه جګړه د افغان مظلوم ولس د بچیانو څخه قرباني اخلي، د هیڅ لوړپوړي چارواکي زوی او ورور نه وژل کیږي. د دوی زامن او لوڼې ټول په بهرنیو هېوادونو کې د ناز او نعمت ژوند کوي، نو واضح خبره ده چې د جنګ دوام د دوی لپاره د کومې ناکامۍ او کوم درد نوم نه دی. اقتصادي ستونزې هم د دوی لپاره د تشویش وړ نه دي، ځکه چې د ولس په مال او ملک یې قبضه ده او تر هر چا غوره او ډک دسترخوان لري.

د سیمې او نړۍ حالات، په افغانستان کې د جګړې په عاجله توګه د ختمېدو تقاضا لري. که داسې و نه شي نو روانو لویو اقتصادي پروژو کې به هم د افغانستان ونډه په صفر کې ضرب شي او هم به پر همدې پروژو د زبرځواکونو ترمنځ د رقابت له کبله افغانستان د نیابتي جګړو تود سنګر شي.کله چې حالت داسې دی نو هر څه پاتې کیږي افغان ولس ته. تر څو چې د افغانستان ولس خپل دولت په دې پوه نه کړي، چې دوی په چټکه توګه د جګړې د ختمېدو غوښتونکي دي، نه به دا جګړه ختمه شي او نه به بهرنیان ووځي. د بهرنیانو شتون په سمیه کې د جګړې د دوام لوی لامل دی. ځکه چې د دوی حضور له یوې خوا د دولت مخالفینو ته د وسلې د پورته کولو جواز ورکوي او له بلې خوا دوی په خپل حضور سره د پراخو استخباراتي فعالیتونو په واسطه په سیمه کې د چین او روسیې د اقتصادي پروژو د مخنیوي هڅې کوي، او ټول ښه پوهېږو چې دا مخنیوی د افغانستان له خاورې ښه کېدای شي.

دا څو کاله کیږي چې د سولې لپاره کنفرانسونه نیول کیږي، غونډې جوړیږي او منځګړي هېوادونه رامخ ته کیږي. خو سوله نه راځي، حتی حالت نور هم خرابیږي. لوی علت یې دا دی چې دولت د سولې په پروسه کې د ولس غوښتنې ته هیڅ پام نه کوي او سوله د اشخاصو د شخصي نظریاتو او غوښتنو قرباني کیږي.

تاریخ دا په ګوته کوي، چې ولسونه هغه وخت د نیکمرغۍ او کامیابۍ لوري ته ګام ایښی چې کله یې د خپلو اهدافو لپاره ریښتیني مبارزه کړېده او قرباني یې ورکړې ده. افغان ولس که د نیکمرغۍ خوب ویني باید د لاس ته راوړلو لپاره یې مبارزه هم وکړي. مغرض اشخاص او بې پروا دولت باید خپلو غلطو پرېکړو ته متوجه کړي.

د اوس لپاره چې پر دولت باندې د فشار راوړلو لپاره تر ټولو ښه طرحه حسابېدای شي د یوې داسې شورا رامنځ ته کېدل دي چې د افغانستان ټولې هغه ډلې په کې برخه ولري چې د سولې غوښتونکي او د بهرنیو ځواکونو د وتلو سره موافقت لري. دا ځکه چې سوله راتلل د بهرنیانو په حضور کې امکان نه لري، او د دوی حضور د جګړې د دوام لپاره بهانه ده.

دا شورا کوم رسمي دفتر ته ضرورت نه لري، د ثبتولو ضرورت یې نشته او د اوسېدو ځای به یې د عیدګاه جومات وي. تر څو چې دولت د سولې لپاره رسمي فعالیتونه نه وي پیل کړي او د بهرنیو ځواکونو د عاجل وتلو لپاره نیټه نه وي ټاکل شوي، شورا به خپل حضور ته د عیدګاه په جومات کې دوام ورکوي.

شورا باید پراخ ګرځېدونکی ټیم ولري چې هره جمعه د عیدګاه جومات ته خلک وهڅوي، د جوماتونو امامان تشویق کړي چې د شورا څخه د حمایت او د سولې د راتګ لپاره د جمعې خطبې عیارې کړي. همدارنګه هره جمعه د کابل له بېلابیلو جوماتونو څخه عیدګاه ته ولسي پرګنې د لاریون په بڼه ورسوي.

همدارنګه، هغو چاپي، تصویري او غږیزو رسنیو سره هم خبره وشي چې د پورته هدف سره موافقت ولري. ترڅو د شورا د ټولو فعالیتونو پراخ رسنیز پوښښ برابر کړی. د فیسبوک او ټوېټر لپاره هم ځانګړی ټیم برابر شي تر څو د شورا غږ د نړۍ هر لوري ته ورسیږي.

که کوم بل فکر وي د سولې لپاره او د بهرنیانو د وتلو لپاره نو رامخ ته یې کړی. آرزو مو دا ده چې پورته هدف لاس ته راشي. نور نو دولتي خلک په خبره نه پوهیږي، ولسي فشار باید پرې واچول شي. باید ولس دولت ته دا په ګوته کړي چې مړ نه دی، د زبرځواکونو د نویو جګړو د قربانۍ پسه نه دی او ژر تر ژره د سولې د راتلو په تکل میدان ته راوتلی، تر هغو به بېرته کور ته نه ځي چې د سولې څرک په سترګو و نه ګوري او د بهرنیانو د وتلو لپاره نیټه نه وي ټاکل شوي.

دا ټول کارونه کېدای شي ډېر درانه او سخت وي. خو ناشوني نه دي. که څوک فکر کوي چې دا کار ممکن نه دی نو بیا د سولې چیغي وهل هم په هوا کې توره وهل دي. هغه ولس چې د یوه سولهییز کار د تنظیم وړتیا و نه لري، او یا داسې څوک په کې پیدا نه شي چې د تغیر او بدلون پیل وکړي، نو بیا دا ولس د سولې، د نیکمرغۍ او د سوکالۍ مستحق کله دی؟! جګړه ختمېدل، سوله راتلل، هېواد یو مستقل او خپلواک هېواد اعلانېدل، دا ټولې ډېرې لویې خبرې دي، دا خبرې په خوب لېدلو نه ریښتیا کیږي، میداني مبارزه غواړي، سختی زغمل او قرباني غواړي. که زموږ ملت داسې څوک، داسې ډله او داسې ځوانان ولري، او دوی دا کار پیل کړي، نو تاریخ به جوړ کړي. د دې ولس اصلي اتلان به شي. او لوی جهاد به یې کړی وي. داسې څوک شته؟

زما د کلي نجونې!

مدثر اسلامي

له کارونو او درسونو، چې ستړی شم، کلي ته ځم. د کلي موسم، هوا، سمسوروالی او د سیند د اوبو نغمې مې زړه ته سکون ورکوي. د کلیوالو مینه او سادګي مې ستړیا او اندیښنې د لنډې مودې لپاره رانه هیرې کړي. د کلي جومات کې د ماشومانو د درسونو ازانګې مې په زړه کې د راتلونکې لپاره هیلې وټوکوي. ښوونځي ته د هلکانو او نجونو کتارونه د هوسا او ارام ژوند الهامونه راوړي.

لس کاله وړاندې زمونږ د کلي په نږدې شاوخوا کې ښوونځی نه ؤ. مونږ به د ښوونځي لپاره په ساعتونو په پښو مزل کاوه، هغه هم یواځې تر نهم ټولګي وه. له نهم ټولګي وروسته ډیرو ښوونځی نه لوست، ځکه لیسه په ولسوالۍ کې وه او تر ولسوالۍ هره ورځ تګ راتګ د هر چا د وس کار نه و. له بل پلوه ټول هلکان مجبور وو، چې د ځمکې او مال په ساتلو کې د کورنۍ له غړو سره مرسته وکړي؛ کورنیو نه غوښتل، چې د هلکانو ډیر وخت تر لیسې پورې په تګ راتګ کې ولګیږي. لیسې هم د سیمې د ټولو هلکانو د جذب وړتیا نلرله.

زمونږ په سیمه کې د نجونو هیڅ ښوونځی نه و. د نجونو په خیال او خاطر کې هم نه ګرځیده، چې له کوره بهر دې ښوونځي کې لوست وکړي. د دولتي او نادولتي ادارو له لوري کله کله په ځینې کلیو کې د خیاطۍ، ګلدوزۍ او نورو مهارتونو د زده کړې لنډمهاله کورسونه جوړیدل. هغوی، چې ډیرې بختورې وې، دې کورسونو کې د ګډون موکه په لاس ورتله.

کله به، چې کومه لوستې میرمن د واکسین یا کوم بل کمپاین پر مهال کلي ته راغله د کلي ښځې او سړي ټول به ورته داسې خوشاله وو، لکه کور ته، چې ناوې راولي. بیا به نجونو تر ډیره د یادې میرمنې په څیر د پاکو جامو، پاک بدن او ښو خبرو خوبونه لیدل. هره لوستې میرمن به په کلي کې ډاکټره بلل کیده.

د ولسي خلکو او قومي او دیني مشرانو په هڅو زمونږ کلي ته نږدې د نجونو ښوونځي جوړ شو؛ د ښوونځي ځمکه کلیوالو ورکړه او تعمیر یې دولت ودان کړ. که څه هم د ښوونځي ټول کارکوونکي او ښوونکي سړي دي، خو د شاوخوا کلیو لسګونه نجونې پکې زده کړه کوي. تیر کال، چې نجونې نهم ټولګي ته ورسیدې، په کلي کې د پوهنې بلې شوې شمعې راتلونکې ته اندیښمنې وې، خو د کلیوالو په زیار ښوونځی لیسه شوه.

اوس زما د کلي نجونې ښوونځی لري. زما د کلي تورې بلبلې د حیا په سپین پړوني کې د خپل پیغمبر دا لارښوونه عملي کوي، چې د علم زده کړه په هر مسلمان فرض ده. زما د کلي نجونې اوس د ډاکټر او ښوونکي کیدو خوبونه لیدلای شي. زما د کلي نجونې اوس د درمند پاتې شونو ټولولو او ټټۍ جوړولو په سر نه، بلکې په کتاب، قلم او کتابچه له یو بل سره سیالۍ کوي. زما د کلي نجونې اوس د افغانستان د نورو نجونو په څیر د زده کړې حق لري.

له دې هر څه سره، د درسي موادو کموالی، د ښځینه ښوونکو نشتون، د مناسب تعلیمي چاپیریال نشتوالی او د زده کړې د کیفیت ټیټوالی ځینې هغه ستونزې دي، چې په ټوله کې زده کوونکي او په ځانګړي ډول نجونې ورسره مخ دي.

دا په داسې حال کې ده، چې په ټول هیواد کې شاوخوا پنځلس زره ښوونځیو کې ۸ میلیونه زده کوونکي زده کړه کوي، چې ۴۲ فیصده یې نجونې دي. لغمان د نجونو د زده کړې په برخه کې په پنجشیر پسې دویم ولایت راځي. (له نجم نه په مننې)

احمدضیاء رحیمزی

از "آهن پوشی" در کابل

تا نمایش "آثار هنری" در فرانسه !!!

از همان آوانی که یک خانمی در اواسط زمستان گذشته نقاطی از بدنش را با آهن پوشانید و در مقابل چشمان از حدقه برامده شهروندان کابل، مارش نظامی ایرا در بالای پل هوایی میرویس میدان (کوته سنگی) به نمایش گذاشت؛ این موضوع قابل درک بود که هدف اصلی و پلان های پشت پرده این دختر خانم تنها محدود به اعتراض علیه خیابان آزاری دختران و خانم ها در کشور نیست و تصور می شد که خیالات زنده ای دیگری نیز در سر دارد.

با رفتن خانم "کبرا" به فرانسه و اشتراکش به گفته خود و دوستانش در نمایش های آثار هنری!!! وحتی به اساس روایت های نا تایید شده، در خواست پناهنده گی توسط وی از فرانسه، بر این همه گمانه زنی ها مهر صداقت نهاده شد و ثابت شد که این رسم فرسوده دوسیه سازی برای رفتن به غرب، هر چند به قیمت حیا وعفت باشد، تا هنوز هم متاسفانه در کشور ما بازار گرم خود را دارد.

موضوع آزار واذیت دختران و خانم ها در جاده های شهر کابل و احتمالاً در برخی از شهر های دیگر این کشور واژگون بخت، چیزی نیست که بتوان از آن انکار کرد و درکنار آن، این دو موضوع هم تقریباً ثابت است که اولاً اکثریت قریب به اتفاق دختران و خانم های که شکار خیابان آزاری می شوند، کسانی اند که هیچ گاهی لباس مناسب حال و احوال جامعه افغانی و اسلامی بتن ندارند، دوم آنعده از دختران و خانم های باحیا و دیندار هم که اگر احیاناً گاهی شکار موج وحشیانه خیابان آزاری ها شوند، به دلیل حجب و حیای طبیعی که در خصلت شان است ، شاید هیچ گاهی حاضرنشوند این موضوع را به بازی بازر بکشند.

به هرصورت، بحث ما روی این نیست که چرا خانم زرهپوش به فرانسه رفته و روی این هم نمی پیچیم که این دختر خانم حیا باخته، چه چیزی را بنام "آثار هنری" خویش در آنجا وسایر کشورهای اروپایی به نمایش می گذارد؟ حرف اساسی این است که بالاخره سرمایه گذاری کشورهای غربی روی نسل جوان این میهن و این ملت به چه شکل فجیع و وحشتناک آن جریان دارد و با استفاده ازنام جامعه مدنی، این بازی مزخرف تا کدامین حدودی به پیش خواهد رفت؟

بیاد دارم روز های را که این دختر خانم انقلابی، با مارش"آهن پوش" خود، در غرب کابل ظهور کرد و رسانه های دیداری وشنیداری فعال در کشور که به صراحت می توان گفت برنامه های اکثر آنان هم جز تقویت همین فرهنگ بی حیایی و ادامه یورش فکری و فرهنگی غرب بر جامعه مسلمان افغانی نیست، و چیزی دیگری به خور مردم ما نمی دهند، یکی پی دیگری به نشر این خبر و سپس هم به مصاحبه های اختصاصی با "آن خانم" پرداختند!

آنچه در رسانه های رسمی از گفتار ایشان به نشر رسید، شاید زیاد رکیک و زننده نبود، اما آنچه از کلپ های تصویری وی در شبکه های اجتماعی به نشر رسید، و آنچه را "کبرا خانم" به حیث دلایل خود برای این اقدام مزخرف عنوان کرد و داستان های که معلوم نیست راست بود یا خیال پردازی، از جریان آزارهای که خود وی دیده بود، بیان داشت، واقعاً به حدی زننده و رکیک بود، که شاید هیچ خانم ویا دختری با حیای افغان، حاضر بزبان آوردن آن نگردد.

به هرصورت، حرف ما این است که رفتن"خانم زرهپوش" به فرانسه، چه بنام نمایش آثار هنری و چه بنام دیگری بخوبی روشن ساخت که این همه واویلای که در رابطه به دفاع از زنان و حقوق زنان در کشور ویرانه ما صورت می گیرد، تنها وتنها زمینه سازی برای رفتن به غرب و پناهنده شدن به لجن زار آن دیار است ویاهم برای بدست آوردن یک و یا چند پروژه دالری.

"کبرا" اگر امروز نتوانست پناهنده گی فرانسه را بدست بیاورد، به حتم می توان گفت که در سفر های آینده و پس از عملی ساختن دو سه برنامه هنری جالب و تماشایی همچو آهن پوشی!!!، به این آرزوی قلبی خود خواهد رسید، ولی ای وای بر حال این ملت و این مردم که هرکسی به هر نامی با سرنوشت آن بازی می کند، ولی خود تا هنوز هم غرق در خواب خرگوش است.!!

په لغمان کې

د قرآن پوهنې کلنۍ دوره پای ته ورسېده

راپور: محمداغا خاورین

دقران پوهنی (٦) ورځنۍ اجتماع د څلورم ځل لپاره چې د ۱۳۹۴ کال دثور میاشتی له (٦) څخه دلغمان ولایت دمرکز دسراج په بڼ کی جوړه شوی وه او دهمدی میاشتی تر (۱۱) پوری دوام درلود دلغمان ستر تاریخي او ادب پاله ولایت یې په نورانی وړانگو ښایسته او رنگین کړی ؤ.

دغه اجتماع به هره ورځ سهار شپږ بجی د قرآن عظیم الشان دځو مبارکو ایاتونو په تلاوت سره پیلیده تر یو نیم ساعت دوام وروسته به په اووه بجو او دیرش دقیقو پای ته رسیده .

د قران پوهنی په دغه اجتماع کی دقران پوهنی دلړۍ بنسټ ایښودونکی شیخ القرآن مولانا عبدالصبور صاحب په خپلو عالمانه ویناو کی د الهی کلام ارشادات او نبوي لارښوونی چې دبشریت دنیوي او اخروي سعادت پکی نغښتی دی په ډیرو عام فهمه او خوږو کلماتو کی برخوالو ته واورولې.

ددې برکت ناکی غونډې درسونو د حاضرینو په زړونو کی داسی د دعوت احساس را وپاراوه چې د نن ورځې گډونوال دسبا ورځې بلونکی او داعی ؤ همدا لامل ؤ چې د گډوانولو شمیر له یوې نه بلې ته دوه برابره کیده چې بالاخره زرگونو تنو ته دپای تر ورځې ورسید.

د غونډې په وروستۍ ورځ د جمعیت اصلاح د مرکزي شورا رئیس محترم استاد نصیراحمد نویدي هم غونډې ته راغلي ؤ چې د اسلامي امت د ویښوالي په اړه یې وینا وکړه، وروسته د جمعیت اصلاح دلغمان ځانگی مسؤول محترم استاد محمدعثمان اخلاص دخلکو له گډون او په ځانگړي ډول د خلکو له مرستی مننه او قدر دانی وکړه، وروسته دجمعیت اصلاح د پروگرامونو دتمویل لپاره د مرستی په ایښودل شویو صندوقونو کی خلکو خپله مالی مرسته هم دریغ نکړه ، دغه شپږ ورځنی ستره او ویاړمنه غونډه د ثور میاشتی په یوولسمه د جمعی په ورځ د سهار په اته بجو دشیخ القرآن محترم مولانا عبدالصبور صاحب په اوږده او له سوزه ډکې دعا سره چې د زیاترو گډونوالو لخوا د اوښکو په تویولو بدرگه کیده په یو خاص روحاني چاپیریال او شیبو کی پای ته ورسیده .

رحلهٔ تربیتی در هرات

گزارش: کریمی

بخش تربیت زون غرب جمعیت اصلاح افغانستان به تاریخ ۱۱/ ۲ / ۱۳۹٤ رحلهٔ تربیتی ای را در ولسوالی زیبای کرخ تدارک و راه اندازی نمود که در آن شماری از اعضاء و منسوبین جمعیت اصلاح حضور به هم رساندند. در این رحله-که پس از اقامه نماز فجر الی نماز عصر به طول انجامید- ؛ برنامه های متنوع و مختلف علمی،تربیتی، عبادی، فرهنگی، ورزشی و تفریحی اجراء و عملی گردید.

تلاوت اذکار صبحگاهی الی رسیدن به مکان برنامه، ورزش صبحگاهی با شعارهای حماسی توأم با مسابقهٔ کوه نوردی در محل برنامه، صرف صبحانه دست جمعی همراه با استماع سرودهای زیبای اسلامی، معرفی مسؤولین برنامه و تنظیم گروههای کاری روز، صحبت رهنمودی پیرامون آداب و اهداف نهفته در ورای رحلهٔ تربیتی بعنوان یکی از وسایل تربیت در حرکت اسلامی، صحبت محوری و تبصره ها پیرامون نقش و رسالت دعوتگران جوان در محیطهای تحصیلی و تعلیمی، بازدید و پژوهش گروهی از مغارهها و اماکن تاریخی و دیدنی واقع شده در نزدیکی محل برنامه، سیر و تفکر در کوی و برزن آن فضای دل انگیز و باطراوت بهاری، اقامه نماز جمعه در مسجد جامع نزدیک در محل برنامه، صرف دستجمعی غذای چاشت، تعارف، تعامل برادرانه و صحبتهایگرم برادران در اوقات آزاد، مسابقات علمی، فرهنگی و تفریحی از جمله محتویات و برنامههای این رحلهٔ زیبای تربیتی بود. به دلیل زیاد بودن تعداد اشتراک کنندگان این برنامه در دو مکان جداگانه و همزمان برگزار شد.

هفته نامه
بجز اصلاح اراده دیگری ندارم
اصلاح ملی
داسلام داصیل فهم منبر

- اصلاح ملی در ویرایش مطالب دست باز دارد.
- مطالب آمده مسترد نمی شود.
- مطالب منتشره بیانگر آرای نویسنده گان است.

شعار ما

اصلاح فرد، خانواده و جامعه.
تأمین عدالت اجتماعی و قانونیت درکشور.
ترقی و انکشاف همه جانبهء افغانستان.

ویــزه و اقامهٔ دبی

به زود ترین فرصت و نازلترین قیمت

خـــدمات عمـــره

سهولت بیشتر و هزینه کمتر

تکت های ار زان از هر ایرلاین

ویزه های هر کشور

KAMAWEE TRAVEL & TOURISM
Kam Air
ARIANA
AIR INDIA
QATAR AIRWAYS القطرية
AIR CHINA
Emirates
Safi AIRWAYS
The International Airline of Afghanistan
العربية للطيران airarabia.com
flydubai فلاي دبي

شرکت سیاحتی و زیارتی کامـــوی

مرکز تجارتی داودزی منزل دوم دوکان نمبر L 1-254 مقابل گلبهار سنتر متصل وزارت خارجه
نمایندگی: الکاموی گروپ دوکان نمبر23 مارکیت الله نظر جاده نادر پشتون
شماره تلیفون : 0780207210 - 0777390819

مرکز تشخیصیه
لابراتوار طبی سفیر

Safir Medical Laboratories

Safir Medical Laboratory Diagnostic Center

لابراتوار طبی سفیر
یک نام مطمئن در عرصهٔ
اجرا معاینات معیاری لابراتواری

هرنوع معاینات لابراتواری از قبیل بیوشیمی، سیرولوژی، روتین خون، ادرار، مواد غایطه، TFT,Semin Analysis پتالوژی و کلچر با سامان و لوازم مجهز و مدرن لابراتواری توسط دوکتوران و تکنالوجستهای مجرب با معیارات لابراتواری اجرا میگردد.

آدرس:
کابل، منزل دوم سپین زر پلازه، نزدیک سینما بهارستان کارته پروان.
۰۷۹۹۱۵۲۳۲۹-۰۷۷۲۱۲۸۵۸۳
غزنی: مـــنزل دوم اپارتـــمان دوم فرخی هوتل بازار صرافی شهر غزنی
۰۷۰۰۹۲۸۴۹۸
لغمان: شهر مهتر لام بابا، مقابل ریاست برق مارکیت حاجی طاؤس
۰۷۹۹۸۷۸۴۲۳ - ۰۷۷۸۴۵۵۷۷۸
Email:
safirlab_kbl@yahoo.com

ترکی آقچه استانبول L.P.G ورکشاپ تخنیکی وسایط گاز

نصب سیستم های کمپیوتری فارسنگو جکشن،
گاز LPGتوسط انجینران باتجربه ترکی و افغان.

شماره تماس: ۰۷۸۹۵۸۷۱۷۵ ۰۷۹۴۸۰۲۰۶۳

مصرف انجن موتر شما ۵۰ فیصد کم میشود

۶ ماه وارنتی

آدرس دفتر مرکزی: کابل کارته نو بین‌سرک نو وسرک اول مقابل شهرک طلایی متصل پمپ طلایی

هفته نامه اصلاح ملی
در ۲۸ ولایات کشور به تیراژبلند توزیع می گردد
اصلاح انلاین
پر بیننده ترین صفحه انترنتی افغانی
www.eslahonline.net

رادیو صدای اصلاح 104.3 FM
با ۱۶ ساعت نشرات در شب و روز
شماره تماس: ۰۷۷۳۸۹۰۹۵۰

اعلانات شما را می پذیریم